

# ماهنامه كاوش (۵۰)

دفتر: مطالعات سياسي

كد موضوعي: ۲۶۰  
شماره مسلسل: ۱۲۳۶۲  
ارديبهشت ماه ۱۳۹۱

## به نام خدا

### فهرست مطالب

- ۱..... سخن نخست
- ۲..... گزینه خطرناک اسرائیل در قبال ایران
- ۴..... تفاوت‌های لاینحل رویکرد و اشنگتن و اسرائیل در قبال ایران
- ۷..... آمریکا و اسرائیل در مورد حمله به ایران نیاز به توافق دارند
- ۹..... تصمیم ایران در مورد ساخت سلاح‌های هسته‌ای
- ۱۱..... صداهای نابهنجار به سایت ناسازگاری در قبال ایران منجر می‌شود
- ۱۳..... ده خطای رسانه‌های غربی در پوشش اخبار ایران
- ۱۸..... چگونگی تعامل با ایران
- ۲۷..... سیاست تحریم مانع از مذاکرات جدی هسته‌ای می‌شود
- ۳۴..... ایران و مذاکره
- ۳۸..... دمکرات‌های ایران را فدای توافق هسته‌ای نکنید
- ۴۲..... مذاکرات جدی ایران در استانبول
- ۴۷..... ارزیابی جدید نهادهای امنیتی آمریکا در مورد ایران
- ۵۰..... برای صلح ایران و آمریکا باید مصالحه کنند
- ۵۴..... آماده شدن زمینه برای معامله با ایران
- ۵۷..... بخش انرژی ایران و تحریم‌های غرب
- ۶۰..... استراتژی ایران
- ۶۲..... وادار ساختن ایران به استفاده صلح‌آمیز از فناوری هسته‌ای
- ۶۶..... افکار عمومی ایرانیان برای اجتناب از حمله مهم است



## ماهنامه کاوش (۵۰)

### سخن نخست

یکی از مهمترین مسائل مؤثر در حوزه سیاستگذاری خارجی، درک شرایط بین‌المللی و اتخاذ سیاست‌های مناسب در پرتو شناخت پشتوانه‌های فکری قدرت‌های رقیب است. این شناخت از طریق آگاهی از رویکردها، برداشتها و نگرش‌های سایر بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نسبت به تحولات نظام بین‌الملل به دست می‌آید و می‌تواند نقش مهمی در روند تصمیم‌سازی یک سیاست خارجی مؤثر داشته باشد. بدین‌منظور ماهنامه کاوش با هدف انتقال چکیده مهمترین مباحث تحلیلی و خبری گروه‌های فکری و پژوهشی و رسانه‌های معتبر بین‌المللی تلاش دارد به بررسی عمده‌ترین مطالب ماه گذشته برخی از مهمترین مجلات علمی، سایت‌ها و پایگاه‌های تحلیلی غرب در قبال مسائل ایران بپردازد. براین اساس در شماره ۵۰ کاوش مقالاتی در مورد برنامه هسته‌ای ایران، تحولات منطقه‌ای در کشورهای عربی خاورمیانه و شمال آفریقا و سایر موضوعات جدید مرتبط با روابط خارجی ایران و کشورهای منطقه، انتخاب و منعکس شده است. مسلماً درج این مطالب و تحلیل‌ها فقط برای اطلاع و مراجعه اندیشمندان و محققان محترم بوده و به منزله تأیید آنها از جانب دفتر مطالعات سیاسی مرکز پژوهش‌ها نیست. ضمناً ماهنامه کاوش برای تقویت و بهبود رویه خود از پیشنهادها و انتقادهای اندیشمندان محترم استقبال می‌کند.

## عنوان: گزینه خطرناک اسرائیل در قبال ایران<sup>۱</sup>

نویسنده: دالیا داساکی

منبع: Rand Corporation<sup>۲</sup>

نویسنده در این گزارش به بررسی گزینه اقدام نظامی اسرائیل علیه تأسیسات هسته‌ای ایران پرداخته و ریسک این گزینه را براساس نتایج و پیامدهای آن مورد ارزیابی قرار داده است. نویسنده در ابتدای گزارش تأکید کرده است که صحبت در مورد گزینه نظامی علیه تأسیسات هسته‌ای ایران هنوز فروکش نکرده و اگر دیپلماسی نتواند مانع تداوم فعالیت‌های هسته‌ای ایران شود، اقدام نظامی به‌عنوان گزینه جایگزین از سوی طرفداران این اقدام در آمریکا و اسرائیل در دستور کار قرار می‌گیرد با این وجود حتی طرفداران این گزینه در قبال ایران نیز معتقدند که شاید در کوتاه‌مدت اسرائیل موفق به انجام عملیات نظامی علیه تأسیسات هسته‌ای ایران شود اما پیامدهای بلندمدت آن برای امنیت اسرائیل خطرناک خواهد بود. در این میان برخی مقامات اسرائیلی مانند نتانیا‌هو و باراک بر این مسئله تأکید می‌کنند که با توجه به اینکه خاورمیانه با ایران هسته‌ای خطرناک‌تر از اقدام نظامی علیه ایران است. بنابراین منافع و فواید عملیات نظامی علیه ایران به هزینه‌های احتمالی آن برتری دارند، اما به اعتقاد نویسنده، این اظهارات براساس یک فرض نادرست در مورد خاورمیانه پس از حمله اسرائیل به ایران بنا شده است زیرا که پس از حمله اسرائیل، به دلیل اقدام تلافی‌جویانه ایران در منطقه علیه نیروهای آمریکا و اسرائیل و گسترش بی‌ثباتی در منطقه و افزایش قیمت نفت، شرایط برای اسرائیل خطرناک‌تر خواهد شد براساس این است که

1. Dalia Dassa Kaye, Israel's Risky Option On Iran, Rand Corporation, 29 Feb, 2012.

۲. از مراکز پژوهشی حوزه روابط بین‌المللی است.



میرداگان رئیس سابق موساد تأکید کرده که ریسک این اقدام به دلیل هزینه‌های آن بسیار بالاست و اقدامات پنهانی برای توقف فعالیت‌های هسته‌ای ایران بسیار کارآمدتر از گزینه جنگ علیه ایران است. در این زمینه تحلیلگران غربی نیز تأکید دارند که گزینه نظامی علیه تأسیسات هسته‌ای ایران تنها سبب تأخیر در فعالیت‌های آنان - و نه توقف آنان - می‌شود، زیرا که بسیاری از تأسیسات هسته‌ای ایران پراکنده و در اعماق زمین بوده که قابل دسترسی نیستند و مسلماً اقدام نظامی علیه آنان، ایران را به سوی دستیابی به سلاح هسته‌ای متمایل خواهد کرد.

در این شرایط یک ایران مسلح به سلاح هسته‌ای که مورد یک حمله نظامی قرار گرفته است برای جلوگیری از اقدام نظامی دیگری علیه تأسیسات هسته‌ای خود به تهدید علیه اسرائیل خواهد پرداخت و نتیجه این شرایط، ایجاد جنگ سرد، شکننده و بسیار خطرناک میان آنان خواهد بود. این درحالی است که بر فرض دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای و عدم حمله نظامی علیه این کشور تا آن زمان، ایران تنها تلاش خواهد کرد تا از منافع بازدارندگی سلاح هسته‌ای بهره‌گیرد.

ازسوی دیگر اقدام نظامی اسرائیل علیه ایران به تضعیف اجماع بین‌المللی علیه فعالیت‌های هسته‌ای ایران و عدم حمایت از اسرائیل منجر می‌شود و کشورهای اروپایی و آسیایی - به‌ویژه چین و روسیه - در روابط خود با اسرائیل تجدیدنظر خواهند کرد به‌علاوه که در سطح منطقه نیز با افزایش احساسات ضداسرائیلی، واکنش‌ها منفی خواهد بود به‌گونه‌ای که اسرائیل که تاکنون نتوانسته در خاورمیانه ادغام شود، با انزوای بین‌المللی مواجه خواهد شد.

## عنوان: تفاوت‌های لاینحل رویکرد واشنگتن و اسرائیل در قبال ایران<sup>۱</sup>

نویسنده: مایکل هرزوغ

منبع: The Washington Institute For New East Policy<sup>۲</sup>

دیدار سران آمریکا و اسرائیل در ۵ مارس از اهمیت بسیاری در مورد پروسه تصمیم‌گیری در مورد برنامه هسته‌ای ایران برخوردار بود. در این دیدار، مواضع دو طرف و اختلاف‌نظرهای میان آنان آشکار شد هرچند که اوباما و نتانیاهو از بیان صریح و شفاف خطوط قرمز متفاوتشان در مورد پرونده هسته‌ای ایران خودداری و از این طریق آزادی عمل خود را در این زمینه برای آینده حفظ کردند با این وجود، این دیدار برای مقامات اسرائیل بسیار خوشایند بود، زیرا که مسئله هسته‌ای ایران را به اولویت اول آمریکا و جامعه جهانی تبدیل کرد و اوباما آن را نه مسئله اسرائیل، بلکه تهدیدی علیه امنیت ملی آمریکا دانست. همچنین اوباما بر حق اسرائیل برای دفاع از خود تأکید کرد و ضمانت و تعهد آمریکا به حمایت از اسرائیل را نیز مورد تأکید قرار داد. علاوه بر این اوباما مجدداً تأکید کرد که همه گزینه‌ها در مورد برنامه هسته‌ای ایران روی میز است. این اظهارات اگرچه نشان‌دهنده نزدیکی روابط آمریکا و اسرائیل در شرایط کنونی است، اما با این وجود، به معنای چراغ سبز آمریکا به اسرائیل برای حمله به ایران نبود چنانچه اوباما نیز در این زمینه به مقامات اسرائیلی هشدار دارد که تا زمان تأثیرگذاری تحریم‌ها و دیپلماسی صبر کنند و از هر اقدام یک‌جانبه‌ای بپرهیزند.

1. Micheal Herzog Washington and Israel: Unresolvable Differences, The Washington Institute for New East Policy, 16 March, 2012.

۲. از مراکز فکری آمریکا که طیف گسترده‌ای از مسائل را بررسی می‌کند.



در این میان، نکته مهم تفاوت رویکرد آمریکا و اسرائیل به برنامه هسته‌ای ایران بود که از چند جهت قابل مشاهده بود: اول اینکه اسرائیل گزینه فشار، تحریم و دیپلماسی علیه برنامه هسته‌ای ایران را نتیجه‌بخش نمی‌داند و همواره بر نگرانی خود در مورد محدوده مصونیت ایران تأکید می‌کند. مسئله دوم اینکه نگاه اسرائیل به برنامه هسته‌ای ایران نگاهی حداکثرگرایانه بود و تلاش آن برای توقف کامل غنی‌سازی و خروج اورانیم غنی شده از ایران است درحالی که این دیدگاه نه مورد تأیید آمریکا و جامعه بین‌الملل و نه مورد پذیرش ایران است. مسئله سوم اینکه مقامات اسرائیلی اگرچه تأکید می‌کنند تا منتظر اقدامات آمریکا برای توقف برنامه هسته‌ای ایران هستند اما هنوز اطمینانی نسبت به واکنش مؤثر آمریکا در قبال برنامه هسته‌ای ایران حتی در شرایطی که این کشور به بمب اتمی دست یابد، ندارند.

براساس این اگرچه آمریکا و اسرائیل هر دو ارزیابی مشترکی در مورد تهدید مسئله هسته‌ای ایران و خطرناک بودن آن دارند، اما از نظر اسرائیل، ایران به دلیل رویکرد ایدئولوژیک نظام به دنبال بمب اتمی است و همواره این انگیزه برای مقامات ایرانی وجود دارد این درحالی است که مقامات آمریکایی معتقدند که هنوز مقامات ایرانی در مورد ساخت بمب تصمیم‌گیری نکرده‌اند و لذا پنجره‌های موجود برای توقف برنامه هسته‌ای ایران از طریق تحریم و فشار باز است، به علاوه که مقامات آمریکایی، بحث حوزه مصونیت ایران را نیز کوتاه‌بینانه می‌دانند که تنها بر بخشی از برنامه هسته‌ای ایران توجه دارد و از این رو است که آمریکا در آشکار و پنهان با اقدام نظامی یک‌جانبه اسرائیل به ایران مخالفت کرده است زیرا که این اقدام را پرهزینه با

نتایج منفی ناگوار برای نیروهای آمریکا در منطقه و قیمت نفت و... می‌داند. در واقع، رویکرد متفاوت آنان به برنامه هسته‌ای ایران به موضع متفاوت آنان به‌عنوان ابرقدرت و به‌عنوان کشوری که برنامه هسته‌ای ایران را تهدید وجودی علیه خود می‌داند باز می‌شود و در این میان، اسرائیل با توانمندی هسته‌ای ایران و آمریکا با سلاح هسته‌ای آن مخالف است. همچنین اسرائیل هرگونه تعلل در مورد برنامه هسته‌ای ایران را تهدیدی جدی علیه خود می‌داند که ممکن است به مرحله مصونیت از اقدام علیه ایران بیانجامد درحالی که آمریکا معتقد به گسترده‌تر کردن دامنه تحریم‌ها و فشارهاست. در این شرایط برای مقابله با ایران هسته‌ای، دو کشور باید هم‌زمان که اقداماتشان را برای تشدید فشار علیه ایران ادامه می‌دهند اظهارات تندروانه‌شان در مورد حمله به ایران را با تأکید بر ضرورت فشارهای بین‌المللی متوازن کنند و هرچه اختلاف میان آنان کمتر دیده شود مؤثرتر خواهند توانست این مسئله فائق آیند.



عنوان: آمریکا و اسرائیل در مورد حمله به ایران نیاز به توافق دارند<sup>۱</sup>

نویسنده: جیمز دووینس

منبع: Rand Corporation

نویسنده در این گزارش به بررسی تهدیدات اخیر اسرائیل برای حمله به تأسیسات اتمی ایران اشاره می‌کند و رویکرد آمریکا نسبت به این مسئله را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. به اعتقاد نویسنده با توجه به اینکه اسرائیل هرگز به دشمنانش در مورد حمله قریب‌الوقوع خبر نمی‌دهد، بنابراین تهدیدات آن برای حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران معطوف به تهران نیست، بلکه متوجه واشنگتن و پایتخت سایر کشورهای جهان است که نگران جنگ جدیدی در خاورمیانه هستند در واقع این تهدیدات اگرچه تأثیری بر دولت ایران ندارد و تنها به تلاش‌های آن برای پیشبرد برنامه هسته‌ای‌اش منجر می‌شود، اما این تهدیدات همزمان به تشدید فشارهای بین‌المللی علیه ایران منجر می‌شود و موضع و سیاست‌های او‌باما در قبال ایران را نیز تندتر می‌کند، چنانچه در مواضع اخیر او‌باما دیگر صحبت از حمله نیست، بلکه در مورد زمان حمله بحث می‌شود.

در این میان اگرچه او‌باما و قبل از وی بوش نیز مقامات اسرائیلی را نسبت به حمله به ایران هشدار داده‌اند، اما آنها درصدد تحمیل نظر خود بر اسرائیل نبوده‌اند با این وجود آنان انتظار داشته‌اند که اسرائیل نیز درصدد تحمیل خواسته خود بر آمریکا در مورد حمله به ایران نباشد. این مسئله تا حدودی به فضای داخلی و افکار

---

1. Jams Dobbins, U.S. and Israel Need to Agree on Strike Against Iran, Rand Corporation, 5 March, 2012.

عمومی آمریکا و اسرائیل نیز مرتبط است چنانچه براساس نظرسنجی از مردم آمریکا آنها مخالف حمله بدون دلیل آمریکا به ایران هستند و مردم در اسرائیل نیز مخالف اقدام نظامی سران آن علیه ایران بدون مشارکت و حمایت آمریکا هستند لذا هر مقام اسرائیلی برای حمله نظامی به ایران نیازمند جلب اعتماد آمریکا در مورد پیامدهای این اقدام است و این مسئله‌ای است که اوپاما باید در مورد آن تصمیم بگیرد که آیا به تلاش برای اجماع‌سازی بین‌المللی علیه برنامه هسته‌ای ایران براساس برنامه زمان‌بندی‌اش ادامه می‌دهد یا با طرح‌های نتانیاهو برای حمله به ایران همراه می‌شود.



عنوان: تصمیم ایران در مورد ساخت سلاح‌های هسته‌ای<sup>۱</sup>

نویسنده: افرایم اسکولا

منبع: The Institute for National Security Studies<sup>۲</sup>

نویسنده در این گزارش به بررسی اختلاف‌نظرهای موجود میان مقامات آمریکایی و اسرائیلی در مورد تصمیم ایران برای ساخت سلاح هسته‌ای و توانمندی‌های آن در این زمینه پرداخته است. در ابتدای گزارش نویسنده تأکید کرده است که رسانه‌های بین‌المللی بارها در مورد عدم تصمیم ایران برای ساخت بمب اتمی خبرهایی را براساس ارزیابی‌های مشابه سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا و اسرائیل تاکنون منتشر کرده‌اند. همچنین این رسانه‌ها اختلاف‌نظر موجود میان مقامات آمریکایی و اسرائیلی در مورد شدت و اهمیت شرایط کنونی پرونده هسته‌ای ایران را نیز منعکس کرده‌اند اما سؤال این است که ریشه اصلی اختلاف‌نظرها میان آمریکا و اسرائیل در این زمینه چیست؟ نویسنده برای پاسخ به این سؤال به گزارشات آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اشاره می‌کند و شواهدی مانند توانمندی‌های ایران در غنی‌سازی اورانیم تا حد ۳/۵ درصد در نطنز، تلاش آن برای غنی‌سازی تا حد ۲۰ درصد برای رآکتور تحقیقاتی تهران، نصب تجهیزات غنی‌سازی ۲۰ درصدی و سانترفیوژهای آن در فردو، برنامه‌ریزی ایران برای ساخت نیروگاه آب سنگین ۴۰ درصدی در اراک و امکان دستیابی ایران به طرح‌های انفجاری سلاح‌های هسته‌ای از پاکستان را دلیلی مبنی بر توانمندی ایران برای در اختیار داشتن

1. Ephraim Asculia, The Iranian Decision on The Production of Nuclear Weapons, INSS Insight, No, 324, 22 March, 2012.

۲. از مراکز مطالعاتی حوزه امنیت بین‌المللی است.

دانش غنی‌سازی از ۳/۵ و ۲۰ درصد به ۹۰ درصد (LEU به HEU) می‌داند. به اعتقاد نویسنده، براساس ارزیابی‌های موجود، ایران می‌تواند در خلال چند ماه و حداکثر یک سال به سلاح هسته‌ای دست یابد که البته تجهیزات و لوازم مورد نیاز برای استفاده انفجاری از آن در قالب کلاهک‌های هسته‌ای و موشک‌های دوربرد را نیز در اختیار دارد. بنابراین با توجه به این شرایط، چرا میان مقامات آمریکایی و اسرائیلی در مورد شدت و اهمیت پرونده هسته‌ای ایران اختلاف نظر وجود دارد نویسنده در پاسخ به این سؤال تأکید می‌کند که این مسئله به ارزیابی‌های اطلاعاتی سازمان‌های جاسوسی آمریکا در مورد توقف برنامه ساخت سلاح‌های هسته‌ای در ایران از سال ۲۰۰۳ تاکنون باز می‌گردد. این درحالی است که اولاً احتمال بازبینی در این تصمیم ایران وجود دارد و ثانیاً ارزیابی‌های اطلاعاتی آمریکا به دلیل محدودیت دسترسی به درون ایران، غیرقابل اتکا هستند. نویسنده در پایان این گزارش تأکید می‌کند که سیاست آمریکا در قبال پرونده هسته‌ای ایران یک قمار است که مبتنی بر فرضیاتی مانند کارآمدی احتمالی تحریم‌ها، عدم تصمیم ایران به ساخت سلاح‌های هسته‌ای، عدم امکان دستیابی آن به طراحی‌های ساخت بمب انفجاری توسط پاکستان و احتمال اطلاع از زمان تغییر تصمیم آن برای ساخت بمب اتم و... می‌باشد که این فرضیات برای مقامات اسرائیلی غیرقابل پذیرش است، به‌علاوه که مقامات اسرائیلی نسبت به واکنش احتمالی آمریکا در زمان بحرانی‌تر شدن مسئله هسته‌ای ایران و یا در شرایط دستیابی آن به سلاح هسته‌ای نیز نگران هستند و این مسئله نیز عامل اصلی اختلاف آنان در مورد برنامه هسته‌ای ایران را شکل می‌دهد.



عنوان: صداهای نابهنجار به سایت ناسازگاری در قبال ایران منجر می‌شود<sup>۱</sup>

نویسنده: پیتر هیوسی

منبع: The Jewish Institute for National Security Affairs<sup>۲</sup>

این گزارش به بررسی رویکردهای متفاوت موجود در مورد برنامه هسته‌ای ایران پرداخته و تلاش کرده است تا با ارزیابی این رویکردها بر ضرورت اتخاذ یک سیاست منسجم برای توقف فعالیت‌های هسته‌ای ایران تأکید کند. نویسنده در ابتدای گزارش ادعا می‌کند که اگرچه شواهدی نشان می‌دهد که ایران با انحراف از فعالیت‌های هسته‌ای‌اش در حال دستیابی به سلاح هسته‌ای است، اما بسیاری از مقامات سابق و کنونی آمریکا همچنان بر استفاده از دیپلماسی برای متقاعد کردن ایران به مذاکره و تعامل تأکید می‌کنند. در این میان، آنان برای توجیه این مسئله نیز به استدلالاتی مانند عدم تصمیم‌گیری ایران برای ساخت بمب اتمی، پیگیری این سیاست از سوی ایران برای حفظ نظام و مقابله با تهدیدات آمریکا و اقداماتی مانند آنچه در کودتای ۱۹۵۳ توسط آمریکا علیه ایران صورت گرفت و یا تلاش ایران برای حفظ خود در شرایطی که در محاصره نیروهای آمریکایی در مرزهای خود قرار گرفته و... اشاره می‌کنند. همچنین برخی از آنان نیز تأکید بر اقدام نظامی علیه ایران را از سوی جریانی می‌دانند که به دنبال هزینه بیشتر در امور دفاعی آمریکا هستند. در این شرایط به نظر آنان حتی دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای نیز نگرانی جدی‌ای

---

1. Peter Huessy, *Cacophony of Voices, Produces Discordant Iran Policy*, The Jewish Institute for National Security, 14 March, 2012.

۲. از مراکز پژوهش بین‌المللی است.

به همراه ندارد زیرا که ایران تنها برای حفظ شرایط موجود به این سلاح دست یافته و هرگز از آنان استفاده نخواهد کرد بنابراین عقلانیت نظام ایران و توان بازدارندگی اسرائیل مانع استفاده از سلاح هسته‌ای توسط ایران خواهد شد. براساس این آنان از گزینه تحریم حمایت کرده و معتقدند که با گسترده‌تر شدن فشارها علیه مردم ایران، این کشور به معامله با غرب روی خواهد آورد. نویسنده در ادامه گزارش برای نقد این دیدگاه‌ها و نفی منطقی مخالفان گزینه نظامی به این ادعا متوسل می‌شود که علاوه بر عربستان، ایران نیز در حادثه ۱۱ سپتامبر نقش داشته و اعضای القاعده با ایران در ارتباط بوده‌اند. به اعتقاد نویسنده ایران در یک جنگ دائمی با آمریکا و اسرائیل قرار دارد و از این رو دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای، خطرات جدی‌ای را فراروی آمریکا و اسرائیل قرار خواهد داد زیرا که ممکن است سلاح هسته‌ای بتواند مورد استفاده گروه‌های تروریستی مانند القاعده قرار گیرد بنابراین باید به دنبال از بین بردن توانمندی‌های هسته‌ای ایران و سلاح‌های هسته‌ای آن و تغییر نظام آن بود.



عنوان: ده خطای رسانه‌های غربی در پوشش اخبار ایران<sup>۱</sup>

نویسنده: استفان والت

منبع: فارین پالیسی<sup>۲</sup>

هرچند خطاهای رسانه‌های غربی در موضوع هسته‌ای ایران به اندازه اخبار نیویورکتایمز و واشنگتن‌پست در سال ۲۰۰۲ درباره آماده‌سازی بوش برای جنگ با عراق فاحش نبوده، اما با این حال، عملکرد کلی این رسانه‌ها در پوشش اخبار ایران ناامیدکننده بوده است. ده مورد از مهمترین این خطاها عبارتند از:

۱. **تبدیل موضوع جنگ به جریان غالب رسانه‌ای:** هنگامی که سازمان‌های مشهور خبری، همواره به انتشار اخباری درباره قریب‌الوقوع بودن یا اجتناب‌ناپذیر بودن جنگ مبادرت می‌ورزند، این امر توده مردم را متقاعد می‌کند که جنگ دیر یا زود اتفاق خواهد افتاد و آنها را از جستجوی راه‌های بهتر بازمی‌دارد. در این باره، می‌توان به مقاله «جفری گلدبرگ» در نشریه «آتلانتیک» در سپتامبر ۲۰۱۰ و مقاله «رونان برگمن» در «نیویورکتایمز» در فوریه ۲۰۱۲ اشاره کرد که در آنها نظر مقامات اسرائیلی مبنی بر کمبود زمان و قریب‌الوقوع بودن حمله اسرائیل مطرح شده بود.

۲. **گزافه‌گویی درباره برنامه هسته‌ای ایران:** یکی از مشخصه‌های پوشش رسانه‌ای در مورد ایران، تأکید بر «برنامه سلاح هسته‌ای» ایران بوده، به‌گونه‌ای که

---

1. Stephen M. Walt, Top ten media failures in the Iran war debate, Foreign Policy, 11 March, 2012.

۲. از نشریات معتبر حوزه روابط بین‌الملل است.

گویا، این امر یک حقیقت اثبات شده است. این درحالی است که سرویس‌های اطلاعاتی آمریکا همچنان بر این باورند که ایران در پی دستیابی به سلاح هسته‌ای نیست و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز تاکنون اشاره‌ای به تسلیحاتی بودن برنامه ایران نکرده است. با این حال، جالب است که تحلیلگران «نیویورک تایمز» و «واشنگتن پست» به تازگی ادعاهایی خلاف این واقعیت را منتشر کرده‌اند.

۳. **عقده‌گشایی درباره احمدی‌نژاد:** یکی از موضوعات معمول در مباحثات مربوط به ایران، دادن ارجاعات فراوان به سخنان محمود احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور ایران است. در این راستا، به‌ویژه سخنان وی در انکار هولوکاست و نیز جمله بد تعبیر شده او در مورد محور اسرائیل از صفحه روزگار مورد اشاره قرار می‌گیرد؛ اما این امر گمراه‌کننده است. از سوی دیگر، رهبر ایران که گرفتن تصمیمات کلیدی در این رابطه به عهده وی است، بارها اعلام کرده، داشتن سلاح هسته‌ای مخالف اسلام است. در مورد عقلانی بودن تصمیم‌گیران ایران نیز باید به این نکته اشاره کرد که ایران در حمله به عراق پیش‌دستی نکرد و [تنها] پس از اینکه مورد حمله واقع شد، ناچار شد میلیاردها دلار در جنگ هزینه کند.

۴. **اغراق درباره توان تهاجمی ایران:** ایران دارای پتانسیل‌های فراوانی است و می‌تواند در صورت لزوم، نفوذ بین‌المللی بسیاری اعمال کند؛ اما مبلغی که این کشور هم‌اکنون به بودجه نظامی خود اختصاص داده، تنها یک‌پنجاهم بودجه نظامی آمریکا است یعنی ۲ درصد؛ بنابراین، انجام حمله‌ای گسترده از سوی این کشور به



همسایگانش محتمل نیست. با این حال، رسانه‌های آمریکایی بدون تحلیل توان نظامی ایران، همواره این کشور را به عنوان یک تهدید بسیار جدی نشان می‌دهند.

##### ۵. اشاره نکردن به اینکه چرا ایران ممکن است در پی بمب باشد: گمانه‌زنی‌های

رسانه‌ای همه بر این نکته تأکید می‌کنند که اگر ایران در پی دستیابی به بمب هسته‌ای باشد، هدفی شروانه از این کار دارد؛ اما نه کشوری که در جهان سلاح هسته‌ای دارند، همگی در آغاز با مقاصد بازدارنده اقدام به تولید آن کرده‌اند. این درحالی است که ایران نیز دلایل بسیاری برای نگرانی دارد: این کشور در دو جهت با کشورهای دارای سلاح هسته‌ای روبرو است، با ایالات متحده روابط خوبی ندارد و بیش از ده‌ها استحکامات نظامی آمریکا در اطرافش برپا شده است؛ افزون بر این، سیاستمداران آمریکایی همواره از «تغییر رژیم» در این کشور سخن می‌گویند و نبردی پنهان نیز علیه این کشور در جریان است که دانشمندان هسته‌اش را هدف گرفته است.

##### ۶. اشاره نکردن به اینکه چرا ایران نمی‌خواهد بمب هسته‌ای داشته باشد:

رسانه‌ها بیشتر به دلایل این امر که ممکن است ایران در پی بمب هسته‌ای نباشد، اشاره نمی‌کنند. همان‌گونه که اشاره شد، رهبر ایران بارها گفته سلاح‌های هسته‌ای خلاف اسلام است و وی واقعاً به این امر باور دارد. افزون بر این، پتانسیل قدرت ایران در منطقه خلیج فارس از همه کشورها بیشتر است و حتی می‌تواند نقش رهبری را در منطقه به عهده بگیرد. اگر این کشور سلاح هسته‌ای به دست بیاورد، بقیه کشورهای منطقه نیز به دنبال آن می‌روند و این کار می‌تواند به برتری نیروهای

متعارف ایران لطمه بزند؛ افزون بر آنکه نداشتن سلاح هسته‌ای، ایران را از مظنون بودن در حملات تروریستی هسته‌ای که ممکن است اتفاق بیافتد در امان می‌دارد.

۷. اغراق درباره توانایی‌های اسرائیل: یکی از مباحثی که این روزها مطرح می‌شود، احتمال حمله یک‌جانبه اسرائیل به ایران، بدون همراهی آمریکاست؛ اما اسرائیل توان حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران در «فردو» را ندارد، زیرا هیچ هواپیمایی که بتواند بمبی با توان تخریب این تأسیسات را حمل کند، ندارد. اگر هم اسرائیل نتواند به فردو آسیب بزند، حتی توان به تعویق انداختن برنامه هسته‌ای ایران را نیز نخواهد داشت.

۸. میدان دادن بیش از اندازه به سیاستمداران: روزنامه‌نگاران باید به مقامات و کارشناسان اجازه دهند دیدگاه‌هایشان را بگویند، اما نباید بازیچه دیدگاه‌های آنان قرار بگیرند. در این رابطه می‌توان به پوشش سخنان «ریک سنتروم»، کاندیدای جمهوریخواه انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا اشاره کرد که طی آن مدعی شده بود، هیچ بازرسی از آژانس در ایران حضور ندارد. «مایکل اورن»، سفیر اسرائیل در آمریکا نیز مواردی غیرواقعی را مطرح کرده که متأسفانه در رسانه‌ها بازتاب یافته است.

۹. بی‌توجهی به سرنوشت مردم عادی: یکی از مهمترین خطاهای رسانه‌ای در گفتمان جاری رسانه‌ای، بی‌توجهی به این است که حمله نظامی، چه تأثیری بر مردم عادی ایران خواهد داشت؛ برای نمونه، حمله هوایی به ایران، ریسک اشاعه مواد رادیواکتیو را دربر دارد. هنگامی که سخن از جنگ می‌شود، همه از خطر انتقام‌گیری



ایران و یا تأثیر این امر بر قیمت نفت صحبت می‌کنند، اما کسی درباره اینکه چند نفر ایرانی بی‌گناه در این جنگ کشته خواهند شد، سخنی به میان نمی‌آورند؛ اینها همان مردمی هستند که ما ادعا می‌کنیم می‌خواهیم آنها را از ظلم و ستم نجات دهیم!

۱۰. ادعای ناکارآمدی دیپلماسی: سرانجام یکی از ایده‌های غالب رسانه‌ای، مطرح کردن این ادعاست که کارکرد دیپلماسی درباره ایران ناچیز است، زیرا پیش‌تر تلاش‌ها در این راستا شکست خورده است؛ اما ایالات متحده در ۳۰ سال گذشته تماس‌های بسیار اندکی با مقامات ایران داشته و مورد خاصی از مذاکرات مستقیم میان دو کشور وجود نداشته است. در عوض، ما همواره تأکید داریم ایران باید غنی‌سازی را متوقف کند و این برای طرف ایرانی به منزله نقض گفتگو است. باید توجه داشت که دیپلماسی هنوز امکان موفقیت دارد، اما تاکنون به‌طور جدی آزمایش نشده است.

**عنوان: چگونگی تعامل با ایران<sup>۱</sup>**

نویسنده: حسین موسویان

منبع: فارین افرز<sup>۲</sup>

از زمان پیروزی انقلاب اسلامی، دو مکتب فکری اصلی، بر سیاست خارجی ایران در قبال آمریکا تأثیر داشته است. دیدگاه مکتب نخست این است که ایران و ایالات متحده، می‌توانند بر اساس احترام متقابل، عدم مداخله در امور داخلی و پیشبرد منافع مشترک، به مصالحه دست یابند. کسانی که این دیدگاه را دارند، البته به کینه و ناخرسندی موجود میان دوطرف اذعان دارند و با این‌حال برداشتشان این است که امکان عادی کردن مناسبات وجود دارد. مکتب دوم بدبین‌تر و عمیقاً به آمریکا بی‌اعتماد است و اعتقاد دارد که واشنگتن نه آماده حل منازعات میان دو کشور است و نه از پایبندی برخوردار است.

با توجه به اینکه حدود سی سال در دولت ایران کار کرده و در بیشتر دوره ده‌ساله قبل از سال ۲۰۰۵ نیز در دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی ایران حضور داشته‌ام، در مباحثات مربوط به هر دو این رویکردها، درگیر بوده‌ام. نخستین تجربه شخصی‌ام در این زمینه، به اواخر دهه ۱۹۸۰ باز می‌گردد، زمانی که موضوع عمده‌ای که آمریکا و اروپا با آن مواجه بودند، آزادی گروگان‌های غربی در لبنان بود. در طول آن دوره، ایران ده‌ها پیام از واشنگتن دریافت کرد که ملهم از سخنرانی افتتاحیه

---

1. Hossein Mousavian, How to Engage Iran, Foreign Affairs, 9 Feb, 2012.

۲. از نشریات بین‌المللی حوزه روابط بین‌الملل است.



ریاست جمهوری جرج اچ. دابلیو بوش در سال ۱۹۸۹، پیشنهاد می‌داد که «حسن نیت در مقابل حسن نیت» در دستور کار دو طرف قرار گیرد.

در آن سال، بوش به علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی، رئیس‌جمهوری وقت ایران، پیشنهاد یک معامله را دارد: اگر ایران به تأمین آزادی گروگان‌های آمریکایی و غربی در لبنان کمک کند، آمریکا هم متقابلاً حسن‌نیت خود را نشان خواهد داد. در پاسخ به این درخواست آمریکا، تهران بر خواسته خود مبنی بر آزادسازی میلیاردها دلار اموال ایران در آمریکا، تأکید کرد. همچنین مباحثی مطرح شد که اسرائیل، برخی گروگان‌های لبنانی و به‌ویژه شیخ عبدالکریم عبید، رهبر حزب‌الله را آزاد خواهد ساخت.

در اینجا بود که هر دو مکتب فکری یاد شده، به صحنه آمدند. رفسنجانی اعتقاد داشت که این معامله، می‌تواند یک اقدام اعتمادساز باشد و به نزدیک شدن آمریکا و ایران منجر شود. آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر عالی ایران، نسبت به اعتماد به آمریکا هشدار داد و اندیشه‌اش این بود که ساده‌لوحانه است اگر انتظار داشته باشیم که واشنگتن، نسبت به تلاش‌های تهران، واکنش درخور نشان دهد. در آن زمان نیز، همچون اکنون، رهبری ایران اعتقاد داشت که آمریکا به کمتر از تغییر نظام جمهوری اسلامی در ایران نمی‌اندیشد. سرانجام، ایران تصمیم گرفت تا نقش کلیدی خود را در تأمین آزادی تمامی گروگان‌های غربی در لبنان ایفا کند، اما ایالات متحده، نه دارایی‌های ایران را آزاد کرد و نه روند آزادی گروگان‌های لبنانی را تسهیل کرد.

علیرغم این بی‌حرمتی، در سال‌های بعد از آن، باز هم آیت‌الله خامنه‌ای، رفسنجانی یا خاتمی را از ارائه پیشنهادهای بیشتر به غرب باز نداشت. در سال ۱۹۹۷، برای مثال، ایران کنوانسیون تسلیحات شیمیایی را امضا کرد که توافقی بود برای خنثی‌سازی تمامی تسلیحات شیمیایی تا سال ۲۰۱۲. در همان سال، ایران همچنین به کنوانسیون تسلیحات بیولوژیکی پیوست. بعد از سال ۲۰۰۱، ایران به آمریکا کمک کرد تا طالبان را از بیشتر نقاط افغانستان بیرون کند و برای بیست ماه پیاپی، بین سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۵، با سازمان بین‌المللی انرژی هسته‌ای، همکاری کرد. همان‌طور که این سازمان خواسته بود، دولت ایران، تأسیسات مختلف نظامی را بر روی بازرسان آژانس باز و فعالیت‌های غنی‌سازی‌اش را تعلیق کرد و پروتکل الحاقی را به اجرا درآورد.

هرچند که انتظار ایران این بود که این تدابیر، راه را برای ادامه برنامه هسته‌ای‌اش - که به‌عنوان عضو و امضاکننده پیمان عدم اشاعه هسته‌ای، حق ایران است - باز کند، اما ایالات متحده و غرب تنها کاری که کردند این بود که یک سلسله شکایات تازه را علیه ایران فعال کردند. این پرونده‌ها شامل سؤالاتی درباره برنامه‌های مرتبط با بخش هسته‌ای ایران، منویات ایران در قبال اسرائیل و خصوصت‌ش با نقش نظامی آمریکا در منطقه، به‌ویژه افغانستان و عراق، بود. آمریکا، به‌جای اینکه این همکاری‌های ایران را قدر بداند، تحریم‌های تازه‌ای را علیه آن وضع کرد و درصدد افزایش فشار بین‌المللی علیه ایران برآمد.



آیت‌الله خامنه‌ای، از رفتار واشنگتن شگفت‌زده نشد. در طول این مدت، رهبری عالی ایران، مستمراً انجام گفتگوهای مستقیم با واشنگتن را رد می‌کرد چراکه اعتقاد داشت آمریکا، می‌خواهد از موضع قدرت با ایران حرف بزند و به همین دلیل از تهدید، فشار و تحریم برای تسلیم کردن ایران استفاده می‌کند. واکنش‌های خصمانه غرب در قبال آنچه که از نظر رهبران ایران یک سیاست مداراجویانه بود، نهایتاً موجب شد که رادیکال‌ها در سیاست داخلی ایران، در موقعیت مسلط قرار گیرند و این مسیر در ادامه به روی کار آمدن محمود احمدی‌نژاد انجامید.

اگر به عقب نگاه کنیم، مشکل است که بتوان تمامی گام‌هایی را که هرطرف باید برای تغییر مسیر روابط خصمانه برمی‌داشت، فهرست کنیم، اما بی‌تردید، غرب و به‌ویژه ایالات متحده، فرصت‌های بزرگی را در دوران رؤسای جمهوری میانه‌رو یعنی رفسنجانی و خاتمی از دست دادند. بی‌تردید، هر دو طرف باید پایبندی قوی‌تری به تغییر مسیر مناسبات ایران و آمریکا می‌داشتند.

روی‌کارآمدن باراک اوباما، فرصتی را برای یک شروع تازه فراهم کرد و او زمانی که وارد کاخ سفید شد، بلافاصله از تمایل خود به گشودن باب گفتگو با جمهوری اسلامی ایران بر سر طیف وسیعی از موضوعات سخن گفت که هدف آن برطرف کردن یک خصومت سی ساله و ایجاد پیوندهای سازنده بین دو کشور بود. به‌نظرم، هرچند رهبری ایران، هنوز هم درباره توانایی اوباما برای تغییر بسیاری از سیاست‌های دیرپای ایالات متحده، بدبین بود، اما به نیت شخصی اوباما اعتقاد

داشت. به‌همین دلیل بود که رهبران ایران تصمیم گرفتند امکان یک حل‌وفصل اساسی را بیازمایند و لذا دست احمدی‌نژاد را در مدیریت مناسبات با واشنگتن باز گذاشتند.

بی‌تردید، بیشتر شعارهای احمدی‌نژاد درباره این مناسبات، شعارهای تندی بود اما ایران برخی پیشنهادات بی‌سابقه را نیز مطرح کرد. همان‌طور که محمدالبرادعی، رئیس سابق آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای، در کتاب خاطرات خود گفته است، احمدی‌نژاد، در سال ۲۰۰۹، پیامی را از کانال وی فرستاده و به اوپاما پیشنهاد یک معامله بزرگ را مطرح ساخت. به گفته البرادعی، رئیس‌جمهوری ایران، تمایل خود را برای گفتگوی مستقیم با آمریکا که به گفتگوهای دوجانبه بدون پیش‌شرط منجر شود، ابراز کرده بود. قرار بود این گفتگوها بر اساس احترام متقابل انجام شود و ایران هم توافق می‌کرد که به آمریکا در افغانستان و دیگر جاها کمک کند. اوپاما، پاسخ نداد.

تقریباً تمامی غربی‌ها، ایران را به‌خاطر رکودی که از آن زمان در مناسبات پیش آمد، مقصر می‌دانند. آنها به شکست ابتکار مبادله اورانیم با غنای بالا با اورانیم کمتر غنی شده ایران، اشاره می‌کنند. ابتکاری که آمریکا و روسیه در اکتبر ۲۰۰۹ در ژنو پیشنهاد دادند. اندکی پس از این دیدار، دولت ایران به البرادعی گفت که مایل است این توافق مستقیماً با ایالات متحده انجام شود. واشنگتن این پیشنهاد را رد کرد. پس از آن ایران موافقتنامه مشابهی را با برزیل و ترکیه امضا کرد. این معاهده می‌توانست یک گام مهم اعتمادساز باشد، اما ایالات متحده این را هم رد کرد.

در دسامبر ۲۰۱۰، ایالات متحده برای نخستین‌بار، آمادگی خود را برای به رسمیت شناختن حق قانونی ایران در غنی‌سازی اورانیم برای اهداف صلح‌آمیز نشان



داد. هیلاری کلینتون، وزیر امور خارجه آمریکا در مصاحبه‌ای با بی‌بی‌سی، گفت که ایران به محض آنکه نشان دهد که این کار را در چارچوبی مسئولانه و براساس تعهدات بین‌المللی خود، انجام خواهد داد، می‌تواند به غنی‌سازی اورانیم اقدام کند. واکنش به این موضوع بود که ایران پیشنهادهای تازه‌ای را به ایالات متحده ارائه داد. یک منبع قابل اعتماد به من گفت که در کنفرانس فوریه ۲۰۱۱ سوئد، معاون وزیر خارجه ایران، به‌طور رسمی از مارک گروسمن، نماینده ویژه آمریکا در امور افغانستان و پاکستان دعوت کرد که برای انجام گفتگوهای درباره افغانستان، از ایران دیدار کند. واشنگتن این پیشنهاد را نادیده گرفت.

بعد از آن در اکتبر ۲۰۱۱، ایران، یک تیم از سازمان بین‌المللی انرژی هسته‌ای تحت ریاست معاون مدیرکل یعنی هرمان ناکارتس را دعوت کرد تا از بخش‌های پژوهش و تولید آب سنگین و تأسیسات سانتریفیوژها بازدید کند. یک فرد مطلع به من گفت که در طول این دیدار، فریدون عباسی دوانی، رئیس سازمان انرژی هسته‌ای ایران، یک چک سفید را به سازمان بین‌المللی انرژی هسته‌ای پیشنهاد داده و شفافیت کامل و باز بودن درها برای بازرسان و همکاری با آژانس را تضمین کرده است. وی همچنین ناکارتس را از آمادگی ایران برای قرار دادن برنامه هسته‌ای کشور تحت نظارت کامل آژانس، مطلع ساخته بود که این امر همچنین شامل اجرای پروتکل الحاقی برای پنج سال می‌شد مشروط بر آنکه تحریم‌ها علیه ایران برداشته شود.

محمود احمدی‌نژاد، در تلاش برای روشن‌تر ساختن حسن نظر تهران، در سفر سپتامبر ۲۰۱۱ خود به نیویورک، اعلام کرد که دو آمریکایی بازداشتی در ایران، آزاد

خواهند شد. وی آمادگی ایران برای توقف غنی‌سازی ۲۰ درصدی را در صورتی که آمریکا در مقابل سوخت مورد نیاز نیروگاه پژوهشی تهران را تأمین کند، اعلام داشت. این یک اقدام بسیار مهم برای تأمین برخی توقعات غرب و نشان دادن این مطلب بود که ایران خواهان غنی‌سازی سطح بالا نیست.

اما ایالات متحده، باز هم واکنش منفی نشان داد. واشنگتن تهران را متهم کرد که برای ترور سفیر سعودی در واشنگتن توطئه کرده است. همچنین، از نفوذ خود برای تغییر محتوا و لحن گزارش نوامبر گذشته سازمان بین‌المللی انرژی هسته‌ای استفاده کرد و اتهاماتی درباره ابعاد احتمالی نظامی برنامه هسته‌ای ایران به آن افزود. ماه گذشته، واشنگتن بانک مرکزی ایران را تحریم کرد و در عمل نوعی تحریم نفتی را بر این کشور وضع کرد و همچنین یک قطعنامه سازمان ملل در زمینه تروریسم را علیه ایران به تصویب رساند و نیز قطعنامه دیگری در زمینه حقوق بشر را مورد حمایت قرار داد.

اوباما، در همین ماه ژانویه در نیویورک، در توضیح سیاست خود در قبال ایران، با افتخار اعلام کرد که جهان را علیه ایران بسیج کرده و یک نظام بی‌سابقه از تحریم‌ها را وضع کرده که ایران را هدف می‌گیرد. اوباما گفت که «تحریم‌های تحت رهبری آمریکا، اقتصاد ایران را آشفته کرده است». درست پس از سه سال از اعلام سیاست تعامل با ایران توسط اوباما، لئون پنتا، وزیر دفاع وی، ایران را یک «کشور فرعون‌ی» لقب می‌دهد که یادآور برجسب‌زنی‌های دولت پیشین آمریکاست که ایران را «محور شرارت» نامیده بود. پنتا گفت که «امیدوار است سیاست تازه اوباما، نظام



جمهوری اسلامی را تا به آن حد تضعیف کند که آنها تصمیم بگیرند که یا یک فرعون باقی بمانند یا به جامعه بین‌المللی بپیوندند».

این قبیل اظهارات، شواهد روشنی هستند که نشان می‌دهند سیاست تعامل اوپاما به شکست انجامیده است. در واقع، همه اینها تأییدی بر ارزیابی رهبر عالی ایران است که هدف محوری سیاست آمریکا، تغییر نظام جمهوری اسلامی ایران است. اکنون، درهای همگرایی در حال بسته شدن است. برای جلوگیری از قفل شدن این در، آمریکا باید بدون هرگونه شرطی، اعلام کند که به دنبال تغییر نظام در ایران نیست. علاوه بر آن، به رسمیت شناختن چندین اصل دیگر، برای بهبود مناسبات آمریکا با ایران بعد از سی سال، نقش عمده‌ای دارد. برای شروع، هر دو دولت باید با بردباری وارد عمل شوند و تلاش کنند تا حسن نیت متقابل نشان دهند.

برای مثال، هم ایالات متحده و هم جمهوری اسلامی ایران، می‌خواهند بدانند که نیت نهایی طرف مقابل چیست. دو کشور باید با هم یک «جدول جامع» را تدوین کنند که هم مسئله هسته‌ای و هم دیگر مسائل دوجانبه، بین‌المللی و منطقه‌ای قابل گفتگو را دربر بگیرد و مشخص سازند که هدف نهایی چیست و روشن سازند که هر یک از دو طرف با تأمین این هدف، به چه چیزی خواهند رسید.

ایالات متحده و ایران، همچنین باید برای برقراری امنیت و ثبات در افغانستان با هم کار کنند و از بازگشت کامل طالبان به قدرت جلوگیری کنند. برقراری امنیت در عراق و ایجاد بدنه‌ای در خلیج فارس برای تضمین ثبات منطقه‌ای، همکاری در حوادث و رخدادهای اضطراری دریایی، تضمین آزادی کشتیرانی، مبارزه با دزدان دریایی،

پیشبرد توسعه در آسیای مرکزی و قفقاز، تأسیس یک گروه کاری مشترک برای مبارزه با گسترش تسلیحات کشتارجمعی، تروریسم و محو تسلیحات کشتارجمعی و قاچاق مواد مخدر در خاورمیانه از دیگر زمینه‌های همکاری دوجانبه است. در نهایت، دو کشور می‌توانند پیوندهای دو ملت ایران و آمریکا را از مسیر توریسم، مبادلات فرهنگی و دانشگاهی و تسهیل شرایط ویزا، تقویت کنند.

اشتباه خواهد بود که آمریکا بخواهد از اختلافات داخلی در ایران بهره‌برداری کند. سیاستمداران برجسته ایران اختلافات خاص خودشان را دارند - همان‌طور که در تمامی کشورها همین‌گونه است - اما آنها علیه مداخله و تجاوز خارجی متحد هستند. هر دو پایتخت همچنین باید، در مسیر تعاملی خود، مستمراً از تهدید یکدیگر، رفتارهای خصمانه و تدابیر تنبیهی دست بردارند تا مناسباتی سالم‌تر برقرار شود. سیاست تعامل، باید با اقدامات مثبت عملی همراه باشد و به کلمات بسنده نشود.

مخاطرات مسیر کنونی سیاست‌های آمریکا و ایران به اندازه‌ای هست که یک تغییر را الزامی کند. با به رسمیت شناختن حق قانونی غنی‌سازی برای ایران، مسیر صلح‌آمیزی یافته می‌شود که می‌تواند اهداف ایران و آمریکا، هر دو را، تأمین کند. واشنگتن و تهران، باید آن راه را با هم بیابند و به نظر من، علیرغم آنچه امروز در صحنه بین‌المللی بحث می‌شود، آنها قادر به انجام چنین کاری هستند.



عنوان: سیاست تحریم مانع از مذاکرات جدی هسته‌ای می‌شود<sup>۱</sup>

نویسنده: کیهان برزگر

منبع: فارین افرز

سیاست تحریم و فشار غرب علیه ایران با اعمال تحریم‌های جدید اتحادیه اروپا بر واردات انرژی از ایران وارد مرحله جدیدی شده است. هدف اعلامی غرب از اعمال این فشارها بازگشت ایران به میز مذاکره و گفتگوی جدی در مورد برنامه هسته‌ای خود است. غرب با تأکید بر ضرورت این سیاست این‌گونه جلوه می‌دهد که تلاش دارد تا از حمله نظامی آمریکا یا اسرائیل به ایران جلوگیری کند. منظور غرب از مذاکره جدی ایران توقف غنی‌سازی اورانیم در خاک ایران است. برای موفقیت در این امر، غرب یک سیاست دوجانبه یعنی اعمال «تحریم‌های سخت» و «جنگ پنهان» با هدف اخلاص در فعالیت‌های هسته‌ای ایران را در پیش گرفته است. اما مشکل اصلی این سیاست این است که بی‌اعتمادی ایران به اهداف غرب حصول اجماع سیاسی تصمیم‌گیران ایرانی را برای ورود به گفتگوهای جدی از بین می‌برد. همچنین تأکید بر سیاست تحریم به‌عنوان یک هدف غایی در بلندمدت زمینه‌های گسترش تنش بین دو طرف را فراهم می‌کند و حتی اجماع نیم‌بند موجود در میان قدرت‌های بزرگ و منطقه‌ای را به هم می‌زند. در زمینه تحریم‌ها، نخست، غنی‌سازی اورانیم در خاک ایران تنها موضوعی است که به‌دلیل ماهیت ملی و ژئواستراتژیک آن، اجماع سیاسی در بین تصمیم‌گیران ایرانی برای ورود به گفتگوها با ۱+۵ را فراهم می‌کند. لذا هر مذاکره‌ای که با هدف توقف غنی‌سازی اورانیم در خاک ایران باشد اساساً اجماع

---

1. Kayhan Barzegar, Sanctions Won't End Iran's Nuclear Program, Foreign Affairs, 9 Feb, 2012.

سیاسی تصمیم‌گیران ایرانی برای تداوم گفتگوهای هسته‌ای را از بین می‌برد. هر مذاکره جدی از سوی ایران تنها در شرایط تداوم غنی‌سازی صورت می‌پذیرد. نکته کلیدی که آمریکا و به‌طور کلی غرب از آن طفره می‌روند این است که حتی اگر ایران در این مقطع با توقف غنی‌سازی موافقت کند مسئله اصلی آنان یعنی توانمندی هسته‌ای ایران امری است که اتفاق افتاده و غیرقابل بازگشت است. همچنین غنی‌سازی اورانیم نوعی دسترسی به «توانایی هسته‌ای» بدون تسلیحاتی شدن است و این خود برای ایران ارزش استراتژیک بازدارندگی دارد. از این دیدگاه، توقف غنی‌سازی با توجه به سابقه بی‌اعتمادی به اهداف غرب به‌خصوص سیاست‌های «تغییر رژیم» آمریکا با ارزش‌ترین ابزار ایران در پیشبرد مذاکرات را از بین می‌برد و حتی می‌تواند احتمال حمله به ایران را افزایش دهد، لذا اصرار بر توقف غنی‌سازی اورانیم فقط عامل جلوگیری‌کننده تلقی شده و ایران آن را به‌عنوان یک پیش‌شرط قبول نخواهد کرد. غرب نیز بیش از پیش به این واقعیت پی برده و طرح موضوع توقف غنی‌سازی بیشتر به‌عنوان یک روش بی‌فایده مطرح می‌شود. سیاست تشدید فشار سیاسی - اقتصادی غرب «برابری سیاسی» ایران در مذاکرات را از بین می‌برد. تجربه نشان داده که ایران اساساً در شرایط ضعیف وارد مذاکره جدی نمی‌شود. چون نگرانی از باخت در روند مذاکرات، خود اجماع سیاسی تصمیم‌گیران ایرانی برای پیشبرد مذاکرات را از بین می‌برد. این چنین بوده است که در گذشته هر قدم غرب در تشدید فشار با واکنش ایران برای برداشتن یک قدم عملی و رو به جلو برای بازگشت به برابری سیاسی منجر شده است. مثلاً تصویب قطعنامه‌های شورای امنیت که با



ابتکار غرب بود نتیجه معکوس داشته و منجر به افزایش تعداد سانتریفیوژهای ایرانی به حدود ۸ هزار، افزایش درجه غنی‌سازی به ۲۰ درصد، تأسیس سایت جدید هسته‌ای و انتقال فعالیت‌های غنی‌سازی اورانیم به سایت فوردو شده که حفاظت امنیتی بیشتری دارند. اخیراً هم ایران اعلام کرده که به زودی از سوخت بومی ۲۰ درصد در فعالیت نیروگاه اتمی تحقیقاتی تهران (TRR) استفاده خواهد کرد.

این امر نشان می‌دهد که ایران مصمم است تا با اقدامات متقابل حتی با هزینه‌های زیاد ظرفیت برابری سیاسی خود را در مذاکرات با غرب حفظ کند. چون در شرایط برابری احساس امنیت و راحتی بیشتری برای دستیابی نسبی به تقاضاهای خود در مذاکرات داشته و در مورد پاسخگویی به ابهامات مطرح شده از سوی IAEA همکاری بیشتری می‌کند. سوم، در ایران موضوع تشدید تحریم‌ها از سوی غرب به‌طور فزاینده‌ای با مفهوم «تهدید» برای امنیت و منافع ملی خواه از سوی نخبگان حاکم یا در نزد افکار عمومی پیوند خورده است. هر چقدر تحریم‌ها سخت و گسترده‌تر می‌شوند از جنبه حکومتی خارج شده و با زندگی روزمره مردم همچون فعالیت‌های اقتصادی، نوسانات ارز و غیره ارتباط یافته و به همان اندازه مردم را نسبت به اهداف غرب از تداوم تحریم‌ها و ورود به مذاکرات بدبین و حساس می‌کنند. تهدید به بستن تنگه هرمز بر مبنای مفهوم تهدید ملی و با توجیه به خطر افتادن امنیت اقتصادی صورت گرفته است. برخلاف بعضی از دیدگاه‌های غربی که معتقدند ایران به دلیل وابستگی به صدور انرژی و مبادلات اقتصادی خود این تنگه را مسدود نخواهد کرد، باید اذعان داشت که اگر امنیت اقتصادی ایران بر هم خورد ایران احتمالاً این کار را خواهد کرد. البته بعید است که ایران با تحریم

اخیر اتحادیه اروپا که تنها ۱۸ درصد صادرات نفت ایران را شامل می‌شود تهدید خود را عملی کند. اما اگر این تحریم‌ها به صدور انرژی ایران به آسیا یعنی هند، چین و ژاپن اخلاص ایجاد کند احتمالاً واکنش جدی ایران را در پی خواهد داشت. استراتژی ایران در این زمینه بیشتر «بازدارندگی تدافعی» است. یعنی برای حفظ امنیت نسبی خود و در یک جنگ تمام‌عیار کنترل تنگه هرمز به‌عنوان دروازه خروج انرژی از خلیج فارس را برعهده خواهد گرفت و به احتمال زیاد در یک اقدام گزینشی تنها با ظرفیت‌های صدور انرژی و حمل‌ونقل کشورهای متخاصم به‌خصوص کشورهای عربی منطقه برخورد می‌کند. در جنگ نفتکش‌ها در دهه ۱۹۸۰ هم ایران تنها کشتی‌های وابسته به کشورهای متخاصم را هدف قرار داد. جنبه دوم سیاست غرب هدایت یک «جنگ پنهان» علیه برنامه هسته‌ای ایران است. این روش هم روحیه ضدغربی و بی‌اعتمادی را در نزد افکار عمومی ایران افزایش داده و از این طریق اجماع سیاسی در ایران برای ورود به گفتگوهای جدی را می‌تواند تحت تأثیر قرار دهد. از نظر ایرانیان ارسال ویروس استاکس‌نت با هدف توقف و نابودی یک برنامه ملی صورت گرفته و خسارات زیادی به کشور تحمیل کرده است. به قتل رساندن دانشمندان ایرانی، عمل آشکار تروریستی و از بین بردن سرمایه‌های ملی است. اتهام دست داشتن ایران در قضیه ترور سفیر عربستان در واشنگتن و ارتباط دادن ایرانیان با مسئله تروریسم، آثار منفی در روحیه افکار عمومی ایران داشته و نهایتاً اعزام هواپیماهای جاسوسی بر فراز آسمان ایران همگی بر روحیه بی‌اعتمادی ایرانیان از اهداف صادقانه غرب از گفتگو با ایران افزوده است. تشدید تحریم‌ها حتی اجماع نیم‌بند بین‌المللی موجود علیه ایران را به هم می‌زند. اتحادیه اروپا به امید تغییر سیاست هسته‌ای



ایران و به اصطلاح جلوگیری از جنگ به ناچار با سیاست تحریم‌های سخت آمریکا همراه شده و ورود انرژی از ایران را تحریم کرد. اروپایی‌ها با این اقدام شتاب‌زده خود را از موقعیت پل ارتباطی گفتگو با ایران خارج کرده و درست در مقابل آن قرار گرفته‌اند. این سیاست فضای تنش و بی‌اعتمادی بین دو طرف را افزایش داده و آینده مذاکرات ایران با ۵+۱ را به چالش می‌کشد. مثلاً این موضوع منجر به طرح فوری قطع صدور نفت به اتحادیه اروپا از سوی مجلس ایران شده که در صورت اجرایی شدن آثار منفی اقتصادی بر اقتصاد اروپا و به‌خصوص بر کشورهای هم‌چون ایتالیا و یونان خواهد داشت. این نشان می‌دهد که ایران ظرفیت و اراده لازم برای مقابله با این‌گونه تحریم‌ها را دارد. در حال حاضر بحث در ایران این است که با وجود تحریم‌های سخت اتحادیه اروپا علیه ایران، اساساً توجیهی برای ورود به مذاکرات با گروه ۵+۱ وجود ندارد. پرسش مهم نیز این است که قدم بعدی اتحادیه اروپا چه خواهد بود؟ آیا با آمریکا در یک تنازع احتمالی همگام می‌شود. در واقع اتحادیه اروپا با این سیاست وارد ریسک بزرگی شده است. از سوی دیگر مرزهای حمایت روسیه و چین از تحریم‌های غرب حد و مرزی دارد. روابط روسیه با غرب بر سر سپر استقرار دفاعی موشکی در ترکیه و نوع برخورد با تحولات جهان عرب به‌خصوص بحران سوریه به هم خورده است. چین نیز منافع اقتصادی ناشی از واردات انرژی و صادرات کالا به ایران را دارد و در چارچوب اهداف استراتژیک و جهانی خود از یکجانبه‌گرایی آمریکا حمایت نمی‌کند. اخیراً نیز روسیه و چین قطعنامه ابتکاری غرب در مورد بحران سوریه را وتو کردند.

قدرت‌های درحال ظهور همچون هند و ترکیه نیز همان‌گونه که به صراحت اعلام کرده‌اند حاضر به تحریم واردات انرژی از ایران نیستند. آنها به خوبی آگاهند که به‌سرعت نمی‌توان جایگزینی برای انرژی ایران پیدا کرد و اینکه بازارهای عرضه و تقاضای نفت بسیار پیچیده و به‌هم وابسته هستند و هرگونه اختلال و دستکاری در روند طبیعی بازار نفت می‌تواند امنیت انرژی آنها را به خطر اندازد.

در مورد اعراب منطقه خلیج فارس همچون عربستان هم شاید بدشان نیاید که فشارها بر ایران افزایش یابد، اما آنها کاملاً آگاه هستند که تلاش برای جایگزین نفت ایران به معنای افزایش تنش، بی‌ثباتی و احتمال بروز جنگ در منطقه خواهد بود و این تنها مسئله‌ای که اعراب در شرایط فعلی و با بروز انقلاب‌های عربی به آن نیازی ندارند. در این وضعیت احتمالاً مواضع اعراب نسبت به تداوم تحریم‌های سخت غرب تغییر خواهد کرد. نتیجه همه این تحولات این است که در صورت مقاومت ایران در تداوم سیاست هسته‌ای خود احتمالاً اجماع نیم‌بند فعلی که با تلاش‌های فراوان آمریکا به‌وجود آمده شاهد شکاف‌های بیشتری خواهد بود. برنامه هسته‌ای ایران به‌دلیل اهمیت ژئواستراتژیک و سیاسی - امنیتی اساساً با جنبه هزینه اقتصادی ناشی از تحریم‌ها ارتباط اندکی دارد. تحریم‌های شدید غرب علیه ایران بر این تصور شکل گرفته که ایران تنها در شرایط فشار همه‌جانبه سیاسی - اقتصادی و تهدید به جنگ وارد مذاکرات و در نهایت تسلیم خواهد شد. اما برخلاف این تصور، فشار و تحریم بیشتر بر روی یک مسئله ملی و راهبردی تمامی گروه‌های سیاسی را بر محور آن موضوع یکدست و یکصدا می‌کند. برنامه هسته‌ای ایران با محوریت غنی‌سازی مستقل اورانیم هرچند



چالش‌های زیادی را در روابط ایران و غرب به وجود آورده، اما همزمان تنها موضوعی است که اجماع سیاسی لازم را برای ورود به گفتگوهای جدی با غرب فراهم می‌کند. سیاست «تحریم برای مذاکره» مهمترین موضوع مذاکره یعنی «اعتمادسازی» را در طرف ایرانی از بین می‌برد و اساس مذاکرات را به چالش می‌کشد.

اکنون غرب ابزار فشارهای سیاسی و تشدید تحریم‌ها را دارد و ایران ابزار افزایش درجه غنی‌سازی اورانیم و توسعه فعالیت‌های هسته‌ای. از این لحاظ، ایران و غرب خود را در آستانه پیروزی در این ماراتن نفس‌گیر در نظر می‌گیرند. در اینجا برداشت‌های نادرست دو طرف از ارزیابی موفقیت یکدیگر می‌تواند منجر به گسترش بی‌اعتمادی متقابل، افزایش تنش و تفکرات جنگ‌طلبانه و گرایش‌های میلیتاریستی در دو طرف شود که در واقع نقطه مشترک نگرانی جامعه بین‌المللی است. بروز جنگ برای دو طرف درگیر و همچنین نظام صلح و امنیت بین‌المللی فاجعه‌بار خواهد بود. لذا دو طرف باید برای برون‌رفت از این مخاصمه سریعاً اقدام کنند. برنامه هسته‌ای ایران در قالب تعامل و یک بازی برد-برد و از طریق دیپلماسی قابل حل است. مسئله مهم این است که چگونه بین حق ایران برای استفاده از انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای و عدم انحراف آن به سمت تسلیحاتی شدن تعادل ایجاد کرد. برای ایران مهمترین مسئله، اعتماد به طرف مقابل برای عدم توقف برنامه هسته‌ای بومی خود است. مذاکرات آینده ۱+۵ فرصت خوبی است که غرب با کنار گذاشتن پیش‌شرط توقف غنی‌سازی اورانیم خود وارد مذاکرات جدی با ایران شود.

عنوان: ایران و مذاکره<sup>۱</sup>

نویسنده: خاویر سولانا

منبع: Project Syndicate

پس از یک‌سال‌واندی بن‌بست و بی‌نتیجه ماندن مذاکرات، ژانویه سال ۲۰۱۱ آغاز دور جدید گفتگوها بین ایران و کشورهای پنج‌به‌علاوه یک از نگاه بسیاری آخرین شانس ایران برای حل مسالمت‌آمیز بحرانی است که نزدیک به یک دهه ادامه دارد. من به‌عنوان مذاکره‌کننده از سوی دولت‌های غربی در فاصله سال‌های ۲۰۰۶ - ۲۰۰۹ در این بحران نقش مستقیمی داشتم. هدف دور جدید مذاکرات که ریاست آن برعهده کاترین اشتون مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا و سعید جلیلی مذاکره‌کننده ارشد دولت ایران است هنوز هم قانع کردن ایران به توقف غنی‌سازی اورانیم، تبعیت از قطعنامه‌های مصوب شورای امنیت سازمان ملل متحد و پایبندی به تعهدات خود براساس پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای است که ایران از جمله امضاکنندگان آن به‌شمار می‌رود. اما علاوه‌بر این چند عامل دیگر اهمیت راهبردی این مذاکرات را بیشتر می‌کند. عامل اول این است که از زمان توقف دور قبلی گفتگوهای هسته‌ای با ایران، شرایط سیاسی و اقتصادی ایران تغییرات مهمی کرده است. ماه نوامبر سال گذشته آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در گزارش خود اعلام کرد برنامه‌های هسته‌ای ایران به‌جای حرکت به سمت تولید برق و یا تولید ایزوتوپ برای مصارف پزشکی به سمت فراهم کردن امکانات برای تولید بمب هسته‌ای حرکت می‌کند. پس از آن

1. Javier Solana, Iran's Last Chance? Project Syndicate, 19 April, 2012.



فشارهای بین‌المللی بر ایران افزایش یافت و معاملات بانکی با بانک مرکزی ایران و همین‌طور صادرات نفت آن کشور مورد تحریم قرار گرفت. هرچند افزایش بهای نفت در ماه‌های اخیر تا حدی به درآمد آن کشور افزوده است، ولی اعمال تحریم‌های جدید تأثیر خود را به شکل محسوس به‌خصوص در شرایط اقتصاد مصرف‌کنندگان ایرانی برجای گذاشته است. از ماه اکتبر تاکنون ریال ۴۰ درصد از ارزش خود را در برابر ارزهای جهان از دست داده و این وضعیت واردات کالاهای خارجی را برای ایران دشوارتر کرده است. نقل و انتقال ارز در سیستم بانکی بین‌المللی برای دولت ایران، بازرگانان و شهروندان عادی آن کشور بسیار دشوار شده است.

علاوه بر این حکومت ایران به نسبت گذشته درگیر اختلافات شدیدتر بوده و بنابراین ضعیف‌تر شده است. مناسبات آیت‌الله خامنه‌ای رهبر با محمود احمدی‌نژاد رئیس‌جمهور ایران وخیم‌تر شده و در عین حال این اختلاف‌ها و تنش‌ها در سپاه پاسداران افزایش یافته است. باید دید که این تغییرات در حکومت و فضای سیاسی ایران به چه شکلی روی دور جدید مذاکرات تأثیر خواهد گذاشت.

عامل دوم این است که تحت تأثیر ناآرامی و تحولات سیاسی در کشورهای عربی و به‌ویژه سوریه که هم‌پیمان اصلی ایران در خاورمیانه به‌شمار می‌آید موقعیت جمهوری اسلامی در سطح منطقه تضعیف شده است. البته شرایط سوریه به‌عنوان تنها کشور خارج از مدار اتحاد شوروی سابق که میزبان پایگاه‌های نظامی روسیه است بر موضع‌گیری‌های مسکو در مذاکرات هسته‌ای با ایران تأثیر خواهد داشت و این گفتگوهای دشوار را پیچیده‌تر خواهد کرد.

از دیدگاه مناسبات با کشورهای عربی حوزه خلیج فارس نیز شرایط متحول شده است. این کشورها اکنون بیش از تمام سال‌های دو دهه گذشته در موضع مخالفت با ایران و سوریه قرار گرفته‌اند. عربستان سعودی و قطر حتی به شکل علنی از احتمال ارسال کمک‌های مالی و تسلیحاتی برای مخالفان رژیم سوریه صحبت می‌کنند. در عین حال منابع بزرگ نفت خام عربستان این امکان را فراهم می‌کند که در صورت کاهش صادرات نفت ایران آن کشور کمبود نفت در بازار جهانی را تأمین کند.

چین با توجه به وابستگی روزافزون به منابع انرژی خاورمیانه ناگزیر است در مذاکرات هسته‌ای با ایران به این عامل هم توجه زیادی بکند. چین و روسیه تاکنون در شورای امنیت سازمان ملل متحد از دولت فعلی سوریه حمایت کرده‌اند. اخیراً این موضوع برملا شده که دولت ایران با دادن کشتی‌های نفتکش به سوریه، به رژیم آن کشور کمک کرده است که تحریم‌های بین‌المللی را دور زده و نفت خود را به شرکت دولتی نفت چین بفروشد.

عامل سوم این است که دولت اسرائیل که از نتایج دور قبلی مذاکرات هسته‌ای با ایران نیز ناراضی بود، در یک سال اخیر تحمل و صبر کمتری از خود نشان می‌دهد. در شرایطی که برنامه‌های هسته‌ای ایران به پیشرفت خود ادامه می‌دهند و فضای بحران و بی‌ثباتی در کل منطقه تشدید شده است، اسرائیل طرفدار اقدام نظامی در سال جاری است. به گفته اهود باراک وزیر دفاع اسرائیل ایران در سال جاری می‌تواند به مرحله‌ای از پیشرفت در برنامه‌های هسته‌ای برسد که اصطلاحاً آن را «محدوده مصون» می‌نامند و از آن مرحله به بعد عملاً اقدام نظامی بی‌نتیجه خواهد بود.



بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل ماه گذشته در جریان سخنرانی خود در جلسه «آپیک» که نیرومندترین لابی یا گروه فشار طرفدار اسرائیل در آمریکاست، بر ضرورت واکنش اضطراری به بحران هسته‌ای ایران تأکید کرد.

اما مذاکرات هسته‌ای با ایران بسیار طولانی و پریپیچ‌وخم خواهد بود و عامل دیگری که بر پیچیدگی‌های این دور از گفتگوها خواهد افزود همزمانی آن با سال انتخابات ریاست‌جمهوری در آمریکاست. به نظر می‌رسد که رهبران حزب جمهوریخواه آمریکا در مجموع به مواضع بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل بسیار نزدیک هستند.

عامل آخر این است که باراک اوباما رئیس‌جمهور آمریکا به خوبی می‌داند که انتخاب شدن مجدد وی به مقام ریاست‌جمهوری در گرو پرهیز از هرگونه اشتباهی در این بحران است، اما چگونه می‌توان یک مذاکرات طولانی را به شکلی مدیریت کرد که به نفع طرف دیگر مذاکرات که خواستار وقت‌کشی است به نظر نیاید. به همین خاطر مدیریت تبلیغات و افکار عمومی در آمریکا یک عامل بسیار مهم در روند و چگونگی پیشرفت این مذاکرات خواهد بود.

اگر ما می‌خواهیم که ایران هیچ‌گاه به سلاح هسته‌ای دست پیدا نکند تنها وسیله‌ای که می‌تواند این امر را تضمین کند تغییر نظر و تمایل ایران به داشتن این تسلیحات است. و بهترین راه برای تغییر دادن تمایل حکومت ایران هنوز هم مذاکره است و نه استفاده از قدرت نظامی. هیچ‌یک از طرفین هنوز هزینه‌ها و پیامدهای جنگ را محاسبه نکرده‌اند. همه به دلایل مهم و خوبی هنوز هم مذاکره را ترجیح می‌دهند.

عنوان: دمکرات‌های ایران را فدای توافق هسته‌ای نکنید<sup>۱</sup>

نویسنده: پاتریک کلاوسون

منبع: مؤسسه واشنگتن<sup>۲</sup>

پاتریک کلاوسون، مدیر مرکز پژوهشی مطالعات خاور نزدیک در واشنگتن در تحلیلی که نشریه «فارن پالیسی» آن را منتشر کرده است هشدار می‌دهد که رئیس‌جمهوری آمریکا در تلاش برای رسیدن به یک توافق بر سر بحران هسته‌ای ایران برخلاف جهت تحولات در آینده حرکت می‌کند.

این کارشناس آمریکایی یادآوری می‌کند، در دوره اخیر آنچه که به‌عنوان تنها محور اختلافات راهبردی ایران و آمریکا در رسانه‌ها منعکس می‌شود فقط بحران هسته‌ای است. ولی فراموش نکنیم که باراک اوباما در پیام نوروزی خود خطاب به ملت ایران صراحتاً به نقض حقوق بشر در آن کشور نیز به‌عنوان یک مسئله مهم اشاره کرد.

اما در روزهایی که مذاکرات هسته‌ای بین ایران و نمایندگان کشورهای ۵+۱ برگزار شده در سخنان دیپلمات‌ها و مقامات آمریکایی و غربی هیچ اشاره‌ای به موضوع حقوق بشر دیده و شنیده نمی‌شود. کسی به شمار اعدام‌ها در ایران و یا بازداشت و حبس گسترده روزنامه‌نگاران، فعالان مدنی و سیاسی اشاره نمی‌کند و کسی به یاد سرکوب و آزار اقلیت‌های قومی و مذهبی در ایران نیست.

1. Patrick Clawson, Don't Throw Iran's Democrats Under the Bus, Foreign Policy, 13 April, 2012.

۲. از مراکز پژوهشی ایالات متحده است.



سکوت غرب در مورد مسئله حقوق بشر و یا نادیده گرفتن آن در سایه مذاکرات هسته‌ای، سیاستمداران مخالف رژیم ایران را به شدت نگران کرده است. بسیاری از آنها معتقدند که حکومت جمهوری اسلامی برای بقای خود حاضر است به هرگونه توافقی با غرب برسد به شرط آنکه کشورهای دیگر در مورد مسائلی نظیر حقوق بشر و یا سرکوب آزادی‌های سیاسی و مدنی به آن دولت فشار نیاورند.

پاتریک کلاوسون می‌افزاید: یکی از دلایل نگرانی طرفداران دمکراسی در ایران از اینکه ممکن است در راه یک توافق بر سر بحران هسته‌ای فدا شوند این است که ما در غرب و آمریکا دقیقاً مشغول همین کار هستیم. حقیقت این است که آمریکا و غرب حاضر است در راه رسیدن به راهی برای حل بحران هسته‌ای ایران دمکراسی و حقوق بشر را در آن کشور فدا کند.

آنچه که تاکنون مانع رسیدن به یک چنین توافقی شده نه نگرانی و اصرارهای غرب بر سر رعایت حقوق بشر در ایران بلکه عدم توافق دو طرف بر سر امتیازهای امنیتی و اقتصادی است که حاضرند روی آن معامله کنند.

سابقه رفتار حکومت ایران نشان داده که حتی اگر به احتمال بسیار ضعیف توافقی در مورد بحران هسته‌ای صورت گیرد جمهوری اسلامی ایران به تعهدات خود پایبند نخواهد ماند. ایران پس از موافقت با تعلیق غنی‌سازی در سال ۲۰۰۳ دوباره به شکل مخفیانه این فعالیت‌ها را آغاز کرد و تا زمانی که تداوم غنی‌سازی افشا نشده بود تلاش می‌کرد تعهد خود را زیر پا بگذارد.

مقامات ایرانی بعدها اعتراف کردند که دلیل عمده پذیرش این تعلیق موقت این بود که کار سانتریفیوژهای آنها با مشکل جدی روبرو شده بود.

از سال ۲۰۰۶ و همزمان با بحرانی شدن وضع عراق و تضعیف موقعیت آمریکا در منطقه، ایران دوباره غنی‌سازی را از سرگرفت. در فاصله سال ۲۰۰۳ - ۲۰۰۹ تعداد سانتریفیوژهای ایران از حدود دو هزار دستگاه به ۹ هزار دستگاه رسیده است. به زبان دیگر واقعاً نمی‌توان گفت که مدت دو سال و نیم توقف غنی‌سازی در ایران روی برنامه‌های هسته‌ای آن کشور تأثیر چندانی داشته است.

پاتریک کلاوسون در ادامه تحلیل خود در نشریه «فارن پالیسی» یادآوری می‌کند که شاید امید به توافق برای حل واقعی بحران هسته‌ای ایران درست به اندازه حمایت از طرفداران دمکراسی در ایران یک قمار پرخطر باشد. چرا باید روی توافقی نیم‌بند و موقتی قمار کرد که در نهایت تمامی اختلافات راهبردی دو کشور و نگرانی‌های آمریکا در مورد ایران را حل نخواهد کرد. در صورتی که گزینه دیگر یعنی حمایت از دمکراسی و طرفداران دمکراسی در ایران ممکن است علاوه بر کمک به حقوق بشر و آزادی‌های سیاسی زمینه‌های سقوط رژیم جمهوری اسلامی را فراهم کند.

برخی ممکن است استدلال کنند که تحولات سیاسی عمیق در کشوری نظیر ایران به زمان طولانی نیاز دارد. ولی در پاسخ باید گفت همان‌طور که نمونه کشورهای عربی نشان داده انقلاب‌ها یکباره به وقوع می‌پیوندند. هیچ کس انتظار نداشت که در اعتراض به نتایج انتخابات ریاست‌جمهوری در سال ۲۰۰۹ چنین جنبش عظیمی شکل بگیرد. بنابراین هیچ‌کس نمی‌تواند زمان وقوع تحول سیاسی دیگری را در ایران پیش‌بینی کند.



پاتریک کلاوسون هشدار می‌دهد که در صورت توافق غرب و ایران بر سر برنامه‌های هسته‌ای، دولت ایران مسلماً از این موقعیت برای تثبیت خود و سرکوب مخالفان و طرفداران دمکراسی بهره‌برداری خواهد کرد. علاوه بر این یک بار دیگر در تاریخ معاصر ایران دمکراسی خواهان آن کشور شاهد خواهند بود که آمریکا به جای طرفداری از نیروهای مردمی و ترقی‌خواه از نیروهای ارتجاعی دفاع کرده است. نمونه حمایت آمریکا از کودتای نظامی علیه حکومت مردمی دکتر محمد مصدق هنوز در خاطره سیاسی ایرانیان زنده است.

من نیز ادعا نمی‌کنم که طرفداران دمکراسی به زودی قدرت را در ایران در دست خواهند گرفت. ولی نگاهی به سخنان هشدارآمیز آیت‌الله خامنه‌ای در مورد «توطئه غرب» و هراس حکومت ایران از به راه افتادن موج دیگری از جنبش‌های دمکراسی‌خواهی و اصلاح‌طلبانه نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی به شدت از وقوع چنین تحولاتی نگران است و مسلماً آنها وضعیت حکومت و مردم کشور را بهتر از همه ما می‌دانند.

این کارشناس آمریکایی در پایان تحلیل خود یادآوری می‌کند که مسلماً تعیین نوع حکومت در ایران حق مردم آن کشور است و نه دولت‌های خارجی. ولی در عین حال غرب نباید در برابر تحولات سیاسی و جنگ قدرت در ایران منفعل باشد.

با وجودی که سیاست دولت جرج بوش با عنوان «تغییر رژیم» اکنون مورد قبول بسیاری نیست، ولی در این نکته نباید شک کرد که چه در آن سال‌ها و چه اکنون بهترین امید برای پرهیز از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای، تشویق و حمایت از تحولات دمکراتیک در سیاست ایران است.

عنوان: مذاکرات جدی ایران در استانبول<sup>۱</sup>

نویسنده: جولیان برگر

منبع: گاردین<sup>۲</sup>

گاردین در مقاله‌ای در مورد گفتگوهای هسته‌ای ایران می‌نویسد اگرچه دیپلماسی استانبول بدون رسیدن به هیچ نقطه‌عطفی در روند فرسایشی چانه‌زنی‌ها، تهدیدها و تشویق‌های حول موضوع برنامه هسته‌ای ایران به پایان رسیده، اما عجالتاً خیال بسیاری از این بابت آسوده شد که سایه سنگین تهدید بمب‌های جنگ‌افروز دستکم به مدت یک‌ماه از سر ایران کوتاه شده است.

جولیان برگر، از روزنامه‌نگاران روزنامه انگلیسی «گاردین»، با اشاره به پایان گفتگوهای گروه ۵+۱ در شهر استانبول می‌نویسد: «شاید دستاورد این سری گفتگوها به‌ظاهر چندان چشمگیر به‌نظر نرسد، اما وقتی زمینه بستر این تحول را مدنظر قرار دهید متوجه خواهید شد که همین مقدار پیشرفت هم چندان ناچیز نبوده است».

وی می‌افزاید طرف‌های این مذاکرات از ماه ژانویه سال گذشته میلادی، حدود ۱۵ ماه پیش، با یکدیگر ملاقات نکرده بودند، تحریم شدیدتر نفتی ایران در پیش است و این کشور در اثر تحریم‌های فلج‌کننده اقتصادی از بخش اعظم نظام بانکی جهان کنار گذاشته شده است. علاوه‌بر این همه خطر حمله نظامی اسرائیل و بروز یک

1. Julian Borger , Iran shows 'serious engagement' at Istanbul nuclear talks, Guardian, 14 April, 2012.

۲. از نشریات انگلیسی است.



رویاریوی خشونت‌آمیز دیگر در منطقه خاورمیانه روزبه‌روز جدی‌تر می‌شود. از این رو است که وقتی ایران و گروه ۶ کشور قدرتمند جهان بر سر نشستن پشت میز مذاکره به توافق می‌رسند و در پس آن هم از «گفتگوهای سازنده» و «گام‌های عملی» سخن می‌گویند باید تمام این تحولات را غنیمت شمرد و پیشرفتی قابل توجه دانست. به نوشته این روزنامه انگلیسی، اما آنچه به واقع در استانبول روی داد، برخلاف آنچه مطرح شده، «ده ساعت گفتگو» نبود. بلکه شاید بتوان قسمت مفید این صحبت‌های چندجانبه را در تنها پنج ساعت خلاصه کرد. از طرف ایران، رئیس هیئت نمایندگی را سعید جلیلی برعهده داشت که انگلیسی‌دان نیست و ترجمه سخنان او روند امور را کند کرده بود. زمان صرف ناهار را هم که در نظر بگیرید همان پنج ساعت نیز زیاد به نظر خواهد رسید. آنچه در آن پنج ساعت روی داد نیز بیشتر روندی خسته‌کننده و بدون فراز و فرودی قابل توجه بود.

جولیان برگر می‌افزاید در این میان حدود بعدازظهر روز مذاکرات هلهله‌ای میان خبرنگاران افتاد، چرا که خبرگزاری دانشجویان ایران، موسوم به ایسنا، گزارش کرده بود که سعید جلیلی برای ملاقات با وندی شرمین، همتای آمریکایی خود، موافقت کرده است. خبر فوق بلافاصله تکذیب شد و به احتمال قوی یک نفر در ایسنا از این بابت هم‌اکنون به دردر جدی افتاده است. از آن سو خانم شرمین هم که از دیدگاه سلسله‌مراتب قدرت در ایران نسبت به انجام گفتگو با آمریکا مطلع بود تنها به شکلی غیرمستقیم به ذکر این حرف بسنده کرد که برای انجام مذاکره با هر کسی که علاقمند به گفتگو هست آماده‌گی دارد.

گاردین می‌افزاید در بخش قابل توجه دیگری از این نشست، گفتگوهای کاترین اشتون، نماینده اتحادیه اروپا و سعید جلیلی در حاشیه مذاکرات استانبول بیشتر از آنچه پیش‌بینی می‌شد به طول انجامید و دیدار این دو دیپلمات حدود ۹۰ دقیقه ادامه یافت. گویا دلیل این مسئله درخواست ناگهانی آقای جلیلی برای به تعویق انداختن تحریم‌های نفتی توسط اتحادیه اروپا بوده که قرار است از ۱ ژوئیه اجرایی شود. اشتون نیز در پاسخ به نماینده ویژه رهبری ایران گفته که او در جایگاهی نیست که در غیاب دیگر نمایندگان گروه راجع به این مسئله تصمیم‌گیری کند و طرح این موضوع و تصمیم بر سر آن را به مرحله بعدی مذاکرات، در بغداد، موکول کرده است.

به گفته جولیان برگر، شاید یکی دیگر از امتیازهای گفتگوهای پیش‌رو در بغداد این مسئله باشد که سعید جلیلی موفق شد طوری موضوعیت مذاکرات را برای نمایندگان ۵+۱ جا بیاندازد که همه این حرکت را منطبق با نظر آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، بدانند. آیت‌الله خامنه‌ای به تازگی با صدور فتوایی ساخت سلاح‌های اتمی را حرام اعلام کرده بود، حکمی که به قول سعید جلیلی: «فرستی برای برداشتن گام‌هایی عملی در راستای خلع سلاح و منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای ایجاد کرده است».

روزنامه گاردین می‌افزاید شاید اکنون که این دور گفتگوها به پایان رسیده بتوان اعلام نظر کرد که اتفاقی که در استانبول افتاد به‌مثابه یک بازی فوتبال بود که در آن هر دو تیم به‌دنبال آن بودند که طوری بازی کنند که نتیجه بازی مساوی شود تا هر



دو به مرحله بعدی مسابقات راه یابند. شاید برای ناظران تماشای چنین نشست‌هایی ملال‌آور باشد، اما دستکم در مورد این دور گفتگوها نتیجه حاصل شده بسیار مؤثر بوده است. تنها طرفی که بازنده این ماجراست «غایبان میدان» هستند. ۶ کشور شرکت‌کننده و ایران با حضور در نشست استانبول آزادی عمل اسرائیل را محدود کردند و تا زمانی که گفتگوها در جریان است تهاجم نظامی‌ای نیز در کار نخواهد بود. به نوشته این روزنامه بریتانیایی، با این همه برای حفظ دستاوردهای مذاکراتی از این قبیل نتایج عملی حاصل باید در روندی رو به رشد به‌صورتی پیوسته بهبود یابند. توافق بر سر سرغنی‌سازی ۲۰ درصدی ایران و محدودیت در مقدار ذخیره اورانیم آن کشور حساس‌ترین مورد از رئوس موارد پیش رو برای بحث میان کشورهای مذاکره‌کننده خواهد بود. تخمین زده می‌شود که ایران درحال حاضر ۱۲۰ کیلوگرم اورانیم در اختیار دارد، درحالی که حداقل میزان مورد نیاز از این ماده برای ساخت بمب ۱۸۵ کیلوگرم است.

گاردین می‌نویسد در مقابل گام‌های ایران برای محدود نگاه داشتن برنامه هسته‌ای آن کشور، ۶ کشور دیگر نیز می‌بایست فتیله تحریم‌های وسیع اقتصادی علیه جمهوری اسلامی را پایین بکشند. برای مثال، همان‌طور که سعید جلیلی خواسته بود، می‌توان تحریم‌های نفتی اتحادیه اروپا را به تعویق انداخت.

یکی از دیپلمات‌های حاضر در نشست استانبول به روزنامه گاردین گفته است:

«صبر من زیاد است اما دنیا جای خطرناکی است.»

در پایان گاردین می‌افزاید در حال حاضر باید صبر کرد و دید گفتگوهای بغداد به کدام سمت و سو کشیده خواهد شد و آیا روند سازنده‌ای که آغاز شده به نتیجه می‌رسد یا اینکه منطقه آشوب‌زده خاورمیانه باری دیگر صحنه یک رویارویی خواهد بود.



عنوان: ارزیابی جدید نهادهای امنیتی آمریکا در مورد ایران<sup>۱</sup>

نویسندگان: دیوید آلبرایت و پل برانان

منبع: مؤسسه علوم و امنیت بین‌المللی<sup>۲</sup>

گزارش ارزیابی جدید نهادهای امنیتی آمریکا از برنامه‌های هسته‌ای ایران را بررسی کرده و در مواردی آن را مورد انتقاد قرار می‌دهد. نویسندگان معتقدند نهادهای امنیتی آمریکا در ارزیابی جدید خود فقط روی این سؤال فنی و غیرعمده متمرکز شده‌اند که آیا حکومت ایران وجهه نظامی برنامه‌های هسته‌ای خود را از سر گرفته است یا نه و سپس به این نتیجه می‌رسد که چنین روندی از سر گرفته نشده است. اما این ارزیابی جدید به این موضوع اساسی‌تر نمی‌پردازد که حکومت ایران از سال‌ها پیش حرکت به سوی تولید سلاح هسته‌ای و یا آمادگی برای تولید این تسلیحات را آغاز کرده و این راهکار جنبه‌های گوناگونی از فعالیت‌های هسته‌ای را دربر می‌گیرد. نویسندگان می‌افزایند که تصمیم حکومت ایران به آغاز روند تولید بمب هسته‌ای به عوامل سیاسی و فنی گوناگونی بستگی دارد. در دور بعدی مذاکرات بین ایران و نمایندگان کشورهای ۵+۱ باید تضمین‌های مشخص و عملی را در مورد کنار گذاشتن تمام جنبه‌های فعالیت هسته‌ای را که می‌تواند به تولید بمب اتمی منجر شود از ایران دریافت کرد. از خلال بررسی گزارش نهادهای بین‌المللی و ارزیابی‌های نهادهای امنیتی کشورهای غربی می‌توان به این نتیجه رسید که هیچ‌کس در مورد وجود یک

---

1. David Albright and Paul Brannan, The New National Intelligence Estimate on Iran: A Step in the Right Direction, Institute for Science and International Security, 22 March, 2012.

۲. از مراکز مطالعاتی حوزه امنیت بین‌الملل است.

ساختار موازی و پنهانی برای برنامه‌های هسته‌ای تسلیحاتی طی سال‌های گذشته در ایران تردید ندارد. وجود چنین ساختاری به ایران امکان می‌دهد که سوخت هسته‌ای مورد نیاز برای سلاح هسته‌ای خود را در مدت زمان کوتاهی تولید کرده و همزمان توانمندی‌های خود برای تولید اجزای دیگر مورد نیاز برای به‌کارگیری چنین تسلیحاتی را توسعه دهد. روزنامه نیویورک‌تایمز گزارش داد که نهادهای امنیتی آمریکا و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی شواهدی در دست دارند که نشان می‌دهد برخی از برنامه‌های تحقیقاتی و آزمایشی ایران که مربوط به وجه تسلیحاتی است حتی پس از سال ۲۰۰۳ ادامه پیدا کرده است. اما به گفته مقامات آمریکایی این اطلاعات آنقدر مهم و تعیین‌کننده نبوده که براساس آن ارزیابی‌های امنیتی این کشور از طبیعت برنامه‌های هسته‌ای ایران را تغییر دهد. کارشناسان «مؤسسه علوم و امنیت بین‌المللی» می‌افزایند که در گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که در ماه نوامبر سال ۲۰۱۱ منتشر شد نیز در مورد ادامه برخی از وجوه تسلیحاتی در برنامه‌های هسته‌ای ایران اظهار تردید شده بود. براساس تمام این شواهد می‌توان گفت که ارزیابی نهادهای امنیتی آمریکا در دوره اخیر به نسبت ارزیابی سال ۲۰۰۷ کامل‌تر و همه‌جانبه‌تر به نظر می‌رسد چون تمام فعالیت‌های هسته‌ای ایران را که به‌طور غیرمستقیم می‌توانند در جهت مصارف نظامی مورد بهره‌برداری قرار بگیرند در نظر می‌گیرد. نویسنده معتقد است در این ارزیابی به یک سؤال مهم پاسخ داده نشده و آن این است که آیا ایران در پی تولید سلاح هسته‌ای است و آیا توانایی‌های لازم برای تکمیل یک چنین روندی را دارد یا نه. افزایش فعالیت‌ها و اقدامات ایران در



عرضه‌هایی که مستقیماً طبیعت نظامی ندارند ولی در صورت لزوم می‌توانند برای تولید سلاح هسته‌ای مورد استفاده قرار بگیرند شاید به معنای ازسرگیری بعد نظامی این فعالیت‌ها نباشد، اما به‌خودی‌خود نگران‌کننده است و باید در سیاستگذاری‌های مربوط به بحران هسته‌ای ایران در نظر گرفته شود. تازه‌ترین گزارش‌های رسانه‌ای این نکته را تأیید می‌کند که ایران تا قبل از سال ۲۰۰۴ یک برنامه موازی و پنهانی برای تولید سلاح هسته‌ای را به پیش می‌برده و پس از یک توقف کوتاه برخی از وجوه این فعالیت‌ها را ادامه داده است. بسیاری معتقدند که حکومت ایران سال‌ها پیش تصمیم استراتژیک خود برای تولید سلاح هسته‌ای را اتخاذ کرده است و اندک افرادی در مورد تلاش ایران برای تکمیل تمام توانایی‌های لازم و حتی تولید سلاح هسته‌ای تردید دارند. در پایان این گزارش و با توجه به مذاکرات پیش رو با ایران آمده است: «برای اینکه مذاکرات با ایران به ثمر برسد حکومت آن کشور باید به سؤالات بدون پاسخی که از مدت‌ها پیش از سوی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مطرح شده است پاسخ دهد. ایران باید به سؤالات و تردیدها در مورد وجود یک بعد موازی و پنهانی از فعالیت‌های هسته‌ای تسلیحاتی پاسخ داده و به جامعه بین‌المللی اطمینان و تضمین‌های لازم را بدهد که حقیقتاً در پی تولید سلاح هسته‌ای نیست».

## عنوان: برای صلح ایران و آمریکا باید مصالحه کنند<sup>۱</sup>

نویسنده: تریتا پارسی

منبع: هافینگتون پست<sup>۲</sup>

نویسنده معتقد است که اگر آمریکا و ایران در دور جدید مذاکرات هسته‌ای مصالحه نکنند به گفته یک دیپلمات آشنا با امور خاورمیانه منطقه به سوی یک جنگ تمام‌عیار پیش خواهد رفت. به خاطر صلح جهانی دو طرف باید کوتاه بیایند. شواهد موجود نشان می‌دهد که احتمالاً دور جدید گفتگوها بین ایران و نمایندگان کشورهای ۵+۱ با دوره‌های قبلی مذاکرات که بی‌نتیجه ماند تفاوت چندانی خواهد داشت. تحت تأثیر فشار محافل سیاسی در هر دو کشور، امکانات محدودی که دو طرف برای توافق در نظر گرفته‌اند و تأکید هر دو بر نمایش قدرت و سرسختی بر مواضع خود باعث شده که موارد قبلی مذاکرات شکست بخورند. دولت آمریکا با خواست‌ها و شروط فراوانی به پای میز مذاکرات می‌رود، از جمله قطع غنی‌سازی با غلظت ۲۰ درصد، توقف تمام فعالیت‌ها در مرکز هسته‌ای فوردو و تحویل دادن اورانیم‌های با غلظت ۲۰ درصد که در ماه‌های اخیر تولید و ذخیره شده‌اند. نویسنده می‌افزاید که از منظر کنترل سوخت و مواد هسته‌ای این درخواست‌های آمریکا معقول هستند. ایران همواره تأکید کرده که فقط در حد مورد نیاز رآکتور تحقیقاتی تهران اورانیم با غلظت ۲۰ درصد تولید می‌کند. در مقابل دولت آمریکا می‌گوید اگر غرب میله‌های سوخت هسته‌ای مورد نیاز

1. Trita Parsi, For peace, both Obama and Khamenei must compromise, THE HUFFINGTON POST, 9 Apr, 2012.

۲. از روزنامه‌های آمریکایی است.



این رآکتور را در اختیار ایران قرار دهد دیگر آن کشور به غنی‌سازی با غلظت ۲۰ درصد نیازی نخواهد داشت و از آنجایی که تأسیسات فوردو برای این نوع غنی‌سازی مهیا شده بنابراین نیازی به ادامه فعالیت آن نخواهد بود. تحلیل عمومی دولت آمریکا این است که اگر ایران با این شروط موافقت کند در آینده هر اقدام دیگر آن کشور برای حرکت به سوی تولید سلاح هسته‌ای کشف خواهد شد. ایران برای تولید بمب حداقل به یکسال وقت نیز دارد ولی ظرف ۳۰ تا ۶۰ روز اقداماتش در آن راستا کشف و برملا خواهد شد. اما فعالیت‌های جاری در مرکز هسته‌ای فوردو و ذخیره کردن اورانیم با غلظت ۲۰ درصد مدت زمان مورد نیاز ایران برای تولید بمب را کوتاه‌تر و امکان کشف این اقدامات را دشوارتر خواهد کرد. به همین خاطر شروط اصلی آمریکا روی مرکز هسته‌ای فوردو و مسئله غنی‌سازی با غلظت ۲۰ درصد متمرکز شده است. در مقابل این شروط مشخص نیست که آمریکا برای معامله با ایران چه پیشنهادهایی دارد. تا این لحظه آنچه مقامات آمریکایی گفته‌اند این است که در مقابل غرب حاضر است به ایران میله‌های سوخت هسته‌ای مورد نیاز رآکتور تحقیقاتی تهران را تأمین کرده و تحریم‌های دیگری از سوی سازمان ملل متحد در مورد آن کشور وضع نخواهد شد. اما یک چنین بسته پیشنهادی از نظر بسیاری از تحلیلگران مستقل و حتی دیپلمات‌های سایر کشورهای حاضر در مذاکرات به معنای ایجاد یک بن‌بست در همان آغاز راه است. به گفته آنها، مشکل در شروط و مطالبات آمریکا نیست بلکه در عدم تعادل بین بده و بستان موجود در این طرح است. نویسنده از قول یک مقام ارشد آمریکایی بدون ذکر نام وی می‌گوید که دولت آمریکا تلاش

زیادی کرد تا در مذاکرات پاییز سال ۲۰۰۹ شرایطی را ایجاد کند که توافق بر سر آن برای هر دو طرف یک پیروزی باشد چون در آن زمان غیر از این راه دیگری برای توافق وجود نداشت. در حال حاضر نیز هیچ راه دیگری غیر از این برای حصول به توافق وجود ندارد. در شرایطی که تحریم‌های بسیار شدیدی بر شبکه مالی، حمل و نقل دریایی و صادرات نفت ایران اعمال شده است و از هم‌اکنون تأثیر آنها را به خوبی می‌توان دید، بعید است که حکومت ایران در ازای قول غرب برای نیافزودن به این تحریم‌ها دست به مصالحه بزند. به نظر می‌رسد که هرگونه کاهش در فعالیت‌های هسته‌ای ایران لاجرم باید با کاهش در شدت تحریم‌های فعلی غرب و سازمان ملل متحد علیه آن کشور همراه باشد. مشکل باراک اوباما این است که تحت فشار رقبای خود در داخل آمریکا هیچ فضایی برای کاستن از تحریم‌ها علیه ایران ندارد. از آنجایی که مجالس قانونگذاری اکثریت این تحریم‌ها را وضع کرده‌اند فقط آنها می‌توانند این تحریم‌ها را تغییر دهند. در آخرین مورد که باراک اوباما بر سر سیاست مربوط به ایران مجلس سنا را به چالش کشید با رأی ۱۰۰ درصد مخالف آن مجلس روبرو شد. رئیس‌جمهوری آمریکا در آستانه برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری حاضر نیست باری دیگر چنین قماری کند. شاید در میان خریداران آسیایی و اروپایی نفت ایران امکان انعطاف بیشتری وجود داشته باشد. ولی مشکل در اینجا است که اگر این کشورها با قطع خرید و یا کاستن از خرید نفت ایران پالایشگاه‌های خود را با نفت خام تولیدکنندگان دیگر تنظیم کنند بعید است که با وجود همه این هزینه‌ها دوباره ظرف چند ماه دیگر به‌سوی وارد کردن نفت از ایران بازگردند. تناقض ذاتی روش



موسوم به «دیپلماسی تنبیهی» در این است که در صورت تبعیت کشور تحت فشار قاعدتاً باید بخشی از فشارها و یا مجازات‌ها کاهش یابند. ولی ازسوی دیگر برای مجبور کردن آن کشور به تبعیت از تمامی درخواست‌ها و شروط مطرح شده باید به اعمال فشار ادامه داد این تناقض ذاتی در روش موسوم به «دیپلماسی تنبیهی» باعث می‌شود که این کشور تحت فشار حاضر نشود عقب‌نشینی کند مگر آنکه آن قدر ضعیف باشد که هیچ راه دیگری نداشته باشد. شاید سکوت دولت آمریکا در مورد امتیازهایی که حاضر است در برابر کاستن از فعالیت‌های هسته‌ای به ایران بدهد براساس منطق کاهش مرحله‌ای از فشارهای فعلی است. شاید دولت آمریکا امتیازهای اصلی را برای میز مذاکرات و توافق نهایی کنار گذاشته باشد. ولی در عین حال این امکان نیز وجود دارد که سکوت آمریکا یک حرکت حسابگرانه است. در شرایطی که شروط و مطالبات آمریکا از هم‌اکنون به رسانه‌ها درز پیدا کرده آنها امتیازات را فعلاً مخفی نگاه داشته‌اند تا در صورت توافق قطعی روی یک روند دیپلماتیک آنها را به طرف دیگر اعلام کنند. تاکنون هر دو طرف برای تقبل خطر و تشدید تنش به نسبت تقبل خطر برای مصالحه آمادگی بیشتری نشان داده‌اند. هر دو طرف معتقدند که طرف مقابل جرئت و شهامت کافی ندارد. برای پرهیز از وقوع جنگ هر دو طرف باید خود را در آینه برانداز کنند.

## عنوان: آماده شدن زمینه برای معامله با ایران<sup>۱</sup>

نویسنده: دیوید اگناتوس

منبع: واشنگتن پست<sup>۲</sup>

نویسنده می‌نویسد مذاکرات اتمی با ایران تازه شروع شده است، اما سرمایه‌گذاران باتجربه و باخبر از وقایع پشت صحنه از هم‌اکنون در تهران سراغ شرط‌بندی روی توافقی رفته‌اند که ممکن است از این مذاکرات حاصل شود. شاهد این موضوع، ترقی شاخص معرف معاملات در بورس سهام و اوراق بهادار در تهران به فاصله یک روز پس از شروع مذاکرات است، که بالاترین رکورد را بجا گذاشت. شرط‌بندی این سرمایه‌گذاران ممکن است ناشی از خوش‌بینی و اشتیاق آنان به توافقی باشد که می‌تواند به کاستن از فشار تحریم‌های تنبیهی بر اقتصاد کشورشان کمک کند - ولی به نظر می‌رسد که پیش‌فرض‌هایشان احتمالاً با واقعیت فاصله‌ای چندان نخواهد داشت. ایران تاکنون سناریوی خروجی تدریجی و آبرومندانه از برنامه‌ای اتمی را دنبال کرده است که حتی روسیه و چین هم در مورد خطرناک بودن بیش از حد آن اشاراتی داشته‌اند. ایرانی‌ها در چانه زدن تا لبه پرتگاه می‌روند اما به نظر نمی‌رسد به پریدن هم علاقه‌ای داشته باشند. خط‌مشی‌هایی که می‌تواند سرانجام به حل‌وفصل مسئله منجر شود، پس از تشکیل جلسه روز شنبه در استانبول، به قدر کافی روشن شده است: ایران با تعلیق در غنی‌سازی اورانیم ۲۰ درصدی و متوقف ساختن غنی‌سازی اورانیم در تأسیساتی زیرزمینی که برای غنی‌سازی‌هایی با

1. David Ignatius, A Deal in the Works With Iran? washington post, 18 April, 2012.

۲. از روزنامه‌های وابسته به جمهوریخواهان است.



درجات خلوص بالاتر در نزدیکی قم ساخته شده است موافقت خواهد کرد. ایران همچنین ذخیره انباری اورانیم غنی شده خود را برای روند نهایی غنی‌سازی تا سطح ۲۰ درصد به‌منظور استفاده در تولید ایزوتوپ‌های درمانی به خارج می‌فرستد.

در چارچوب و لحن این مذاکرات، ایرانی‌ها می‌توانند اقداماتشان را این‌گونه توجیه کنند که امتیازی به غرب نداده‌اند، بلکه تدابیری بوده است برای ایجاد اطمینان. زمینه‌های اصلی چنین چارچوبی در نامه‌هایی که چند هفته میان مذاکره‌کنندگان ارشد طرفین مبادله شد، مطرح شده بود. کاترین اشتون، به نمایندگی از سوی گروه موسوم به «پنج به علاوه یک» شامل: پنج عضو دائمی شورای امنیت سازمان ملل متحد و آلمان، اطمینان‌سازی، با هدف تسریع و تسهیل در مذاکرات برپایه اقداماتی متقابل و گام‌به‌گام را توصیه کرد. پاسخ سعید جلیلی، مذاکره‌کننده ایران این بود که چون غرب آماده است حق ایران را در مورد استفاده صلح‌آمیز از انرژی اتمی بپذیرد، مذاکرات برای همکاری برپایه اقداماتی گام‌به‌گام و متقابل می‌تواند شروع شود. موقعیت جلیلی در مقام نماینده شخصی ولی فقیه نیز در این زمینه حائز اهمیت بود.

اقدامات گام‌به‌گام و عمل متقابل، دو راهنمای اصلی در پیشبرد مسیر مذاکرات است، که روندی محترمانه را برای سازش و مصالحه ارائه می‌دهد - نظیر فرمولی که پرزیدنت اوباما در سخنرانی آغاز ریاست‌جمهوری خود در سال ۲۰۰۹ به هنگام پیشنهاد تعامل و تقابل با ایران مطرح ساخت و گفت ما خواهان راهی جدید برای پیشرفت در چارچوب منافع مشترک و احترام متقابل هستیم. به‌نظر می‌رسد طرف ایرانی فعلاً آماده تعامل و تقابلی گسترده با آمریکا نیست. جلیلی ملاقات خصوصی و

دوجانبه با وندی شرمن معاون وزارت امور خارجه آمریکا را نپذیرفت. طرف ایرانی، آن‌گونه که مشهود است، مردم را در مورد توافق و معامله‌ای آماده می‌کند که ضمن محدود ساختن غنی‌سازی اورانیم دربرگیرنده حق غنی‌سازی باشد. علی‌اکبر صالحی وزیر امور خارجه در مصاحبه‌ای گفت تولید سوخت ۲۰ درصدی حق ماست، اما در عین حال افزود اگر آنها تأمین سوخت‌های متفاوت مورد نیاز ما را تضمین کنند، مسئله فرق خواهد کرد. به‌نظر می‌رسد صالحی یک پیشنهاد سال ۲۰۰۹ ترکیه را احیا می‌کند که براساس آن ایران در مقابل صادر کردن اورانیم غنی شده سطح پایین خود به خارج، می‌تواند سوخت ۲۰ درصدی رآکتور تحقیقاتی و مولد ایزوتوپ‌ها را پس بگیرد. این پیشنهاد در آن هنگام به سبب مخالفت خامنه‌ای به‌جایی نرسید اما ظاهراً وی فعلاً آماده چانه زدن است.

جلیلی در اظهارنظرهایی که در تهران‌تایمز چاپ شد خوش‌بینی مشابهی را ارائه داد. وی با این یادآوری که شاهد پیشرفت هستیم توضیح داد که فتوای ولی فقیه در مورد حرام بودن تسلیحات اتمی فرصت برداشتن گام‌هایی سازنده را در جهت خلع سلاح و جلوگیری از گسترش و اشاعه تسلیحات اتمی به‌وجود آورده است. وی گفت گام بعدی مستلزم اتخاذ تدابیری در جهت اطمینان‌سازی است - به‌گونه‌ای که به ایجاد اطمینان در میان ایرانی‌ها منجر شود. به‌عبارت دیگر ایرانی‌ها انتظار دارند همزمان با پیشرفت اقدامات گام‌به‌گام در جهت رسیدن به توافق، به نتایج ملموسی نیز دست یابند. آنها حداقل خواستار تعویق در اجرای تحریم‌های نفتی مصوب آمریکا و اتحادیه اروپا هستند که قرار است به‌ترتیب در ۲۸ ژوئن و ۱ ژوئیه به‌طور کامل به اجرا گذاشته شود.



عنوان: بخش انرژی ایران و تحریم‌های غرب<sup>۱</sup>  
نویسندگان: آریل کوهن، جیمز فیلیپس و اُون گراهام  
منبع: هریتیج<sup>۲</sup>

نویسنده در این گزارش وضعیت بخش انرژی ایران در مقابل تحریم‌ها را بررسی کرده و در این رابطه پیشنهاداتی را به دولت آمریکا ارائه کرده است. دولت ایران از درآمدهای نفتی خود استفاده کرده است تا انقلاب اسلامی را صادر کند و بر روی یک برنامه گسترده هسته‌ای سرمایه‌گذاری کند. در عین حال بخش انرژی ایران بزرگترین آسیب‌پذیری آن می‌باشد، به‌خصوص نیاز آن به وارد کردن بنزین به‌منظور برآوردن نیازهای داخلی. امید می‌رود که دور جدید تحریمات شورای امنیت سازمان ملل متحد و تحریم‌های یک‌طرفه اتحادیه اروپا، ژاپن و کشورهای دیگر برنامه هسته‌ای ایران را متوقف کنند. ایالات متحده نیازمند آن است که تحریم‌های خود را شدیداً تقویت کند و تلاش کند تا کشورهای دیگر را بر آن دارد تا تحریکات موجود را تقویت کنند و تحریمات مخصوص به خودشان را اعمال کنند.

حکومت اسلامی ایران منابع عظیم انرژی ایران را به خدمت گرفته تا یک تجمع نظامی را تقویت کند، یک برنامه گسترده سلاح‌های هسته‌ای را توسعه دهد، خود را در قدرت ابقا کند و انقلاب اسلامی خود را صادر کند. بنابراین دولت ایران به تهدید مهمی برای امنیت و ثبات بین‌المللی تبدیل شده است. در عین حال آینده بخش انرژی

---

1. ARIEL COHEN, JAMES PHILLIPS, OWEN GRAHAM, Iran's Energy Sector: A Target Vulnerable to Sanctions, Heritage Foundation, 14 Feb, 2012

۲. از مراکز تحقیقاتی وابسته به نومحافظه‌کاران آمریکاست.

ایران توسط سوءمدیریت اقتصادی، فساد، سطوح فناوری ناکافی، سرمایه‌گذاری نارسا و افزایش تقاضای داخلی تهدید می‌شود. این دولت بازارهای داخلی انرژی را با یارانه‌های سنگین بنزین، گاز طبیعی و محصولات دیگر از شکل طبیعی خارج کرده است. در سال‌های اخیر صادرات نفتی ایران تدریجاً کاهش یافته است و تحریم‌ها می‌توانند این کاهش را تسریع کنند. تهران به‌منظور ابقای خود به‌عنوان یک صادرکننده اصلی انرژی نیازمند هجوم گسترده فناوری نفت و گاز، تخصص و سرمایه‌گذاری خارجی می‌باشد. بدون این ورودی‌ها صادرات نفتی ایران یقیناً تنزل پیدا می‌کند و اقتصاد متزلزل این کشور ضعیف‌تر می‌شود و توانایی رژیم نامحبوب برای تطمیع جمعیت توسط یارانه‌ها تحلیل می‌رود.

ایالات متحده به‌منظور افزایش فشارها بر ایران جهت متوقف ساختن توسعه سلاح‌های هسته‌ای و سیستم‌های تحویل آنها و ارائه برنامه‌های هسته‌ای موجود به بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی می‌بایست:

۱. متحدان خود و کشورهای دیگر را ترغیب کند تا تحریم‌های یکجانبه‌ای که هدفشان بخش انرژی ایران می‌باشد را اعمال و تقویت کنند.
۲. پکن را تحت فشار قرار دهند تا مانع فعالیت شرکت‌هایی شوند که تحریم‌ها را تضعیف می‌کنند.
۳. چین را ترغیب کند تا در واردات انرژی‌اش از ایران تنوع ایجاد کند.
۴. تحریم‌ها علیه شرکت‌هایی که تحت کنترل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، می‌باشند را در اولویت قرار دهد.



۵. به همسایگان ایران به‌خصوص ترکیه متوسل شود تا با اعمال بزرگ‌ترین تحریم‌های ممکن علیه ایران به محدود ساختن اهداف هسته‌ای ایران کمک کند.
۶. از خط لوله گاز ترکمنستان، افغانستان، پاکستان، هند در برابر خط لوله گاز ایران، پاکستان و هند حمایت کند زیر خط لوله ایران، پاکستان و هند یک رگ حیاتی اقتصادی برای ایران محسوب می‌شود و با این کار قدرت نفوذ و اعتبار ایران در جنوب آسیا را کاهش دهند.

عنوان: استراتژی ایران<sup>۱</sup>

نویسنده: جرج فریدمن

منبع: استراتفور<sup>۲</sup>

نویسنده مرکز تحقیقات امنیتی «استراتفور» در این گزارش ایران را به‌عنوان قدرتی منطقه‌ای دانسته و چشم‌انداز ایران به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای، چالش‌ها و مشکلات این برتری و استراتژی‌های ایران برای دستیابی به برتری منطقه‌ای را مورد واکاوی قرار داده است. برای قرن‌ها، ایران با معضل (و قبل از انقلاب اسلامی) تضمین بقای ملی و استقلال در مواجهه با قدرتهای قوی‌تر منطقه‌ای مانند عثمانی و امپراتوری روسیه مواجه بوده است. اگرچه همیشه کشور ضعیف‌تر یعنی ایران از تهدیدات این امپراتوری بزرگ به سه دلیل جغرافیا، منابع و دیپلماسی جان سالم به در برده است. وسعت ایران و کوهستانی بودن آن، حمله نظامی به این کشور را دشوار و خطرناک کرده است. ایران همچنین با داشتن زمینه کافی، قادر بوده است از حملات احتمالی جلوگیری کند. همچنین در چنین زمان‌هایی، تهران با اتخاذ تدابیر دیپلماتیک هوشمندانه، تهدیدات قدرت‌های بزرگ را خنثی کرده است. نفوذ قدرت‌های امپریالیستی اروپایی به منطقه از مشکلات عدیده ایران در قرن نوزدهم می‌باشد، که از جمله این قدرت‌ها می‌توان به نفوذ انگلستان در کشورهای همسایه ایران مثل عراق و عربستان اشاره کرد و البته این برهه از زمان مصادف با تحول اقتصاد جهانی به

---

1. George Friedman, Iran's Strategy, Stratfor, 11 Apr, 2012.

۲. از مراکز پژوهشی روابط بین‌الملل است.



یک سیستم مبتنی بر نفت می‌باشد. مقاله نویسنده ایران را به‌عنوان قدرتی منطقه‌ای برشمرده و چشم‌انداز ایران به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای، چالش‌ها و مشکلات این برتری و استراتژی‌های ایران برای دستیابی به برتری منطقه‌ای پس از جنگ جهانی دوم را مورد بررسی قرار می‌دهد. در بخش دیگر این مقاله، نویسنده به فرصت‌هایی می‌پردازد که معتقد است ایران با استفاده از این موقعیت‌ها و فرصت‌ها می‌تواند استقلال و برتری خود در منطقه را حفظ کند و همچنین معتقد است با از دست دادن این فرصت‌ها این کشور ممکن است موقعیت استراتژیک خود در منطقه را از دست داده و با چالش‌ها و نگرانی‌های جدید و جدی روبرو شود. در بخش پایانی، نویسنده این گزارش به اهمیت سوریه برای ایران اشاره کرده و حفظ نظام کنونی سوریه را در برقراری تعادل در خاورمیانه و همچنین تحقق رؤیای ایران برای تبدیل شدن به یک قدرت غالب منطقه‌ای در خلیج فارس و حتی فراتر از آن بسیار حیاتی می‌داند.

عنوان: وادار ساختن ایران به استفاده صلح‌آمیز از فناوری هسته‌ای<sup>۱</sup>

نویسندگان: بری بلچمن و تاج مور

منبع: مرکز استیمسون<sup>۲</sup>

نویسنده در این گزارش ایران را به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای دانسته و سعی کرده تحلیل‌های دقیق از مسائل امنیت منطقه‌ای که ایران از عوامل مهم و تأثیرگذار آن به‌شمار می‌رود، ارائه دهد. حدود یک‌سال قبل ۴۰ کارشناس با هدف ارزیابی گزینه‌های احتمالی فراروی آمریکا برای تعامل با جمهوری اسلامی ایران در بحث هسته‌ای گردهم آمدند. این کارشناسان از دولت آمریکا خواستند تا با ایجاد محدودیت صادرات کالا و اعمال تحریم‌های مالی، سیاست اعمال فشار بر تهران جهت مذاکره فیما بین درخصوص محدودسازی برنامه هسته‌ای خویش را همچنان ادامه دهند. این گروه همچنین اعلام داشتند که تقویت و گسترش جنبه مثبت دیپلماسی در قبال ایران ضروری است. این رویکرد دوگانه به دولتمردان ایران نشان می‌دهد که ایالات متحده آمریکا خود را در مورد حل‌وفصل مسالمت‌آمیز بن‌بست مذاکرات هسته‌ای متعهد می‌داند و اینکه از طریق راهکار مذاکره منافع بیشتری نصیب ایران می‌گردد. گروه مطالعاتی به‌طور اخص تأکید کرد که در هر توافقی باید حق ایران برای غنی‌سازی صلح‌آمیز اورانیم، تحت نظارت کامل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، به رسمیت شناخته شود.

1. Barry Blechman and R. Taj Moore, *Iran in Perspective: Holding Iran to Peaceful Uses of Nuclear Technology*, Stimson Center, March 2012.

۲. مرکز استیمسون از پژوهشکده‌های مرتبط به امور بین‌الملل است.



نویسندگان این مقاله خاطرنشان می‌کنند که انزوای بین‌المللی فزاینده ایران، خامت اوضاع اقتصادی و نیز تعمیق اختلافات سیاسی در داخل هیچ‌یک ایران را وادار نساخت تا انگیزه خود برای دستیابی به فناوری مورد نیاز تسلیحات هسته‌ای از دست بدهد. اما مور و بلچمن یکبار دیگر اتخاذ رویکرد ثابت و رو به جلو برای تعامل سیاسی با ایران، نه فقط در بحث هسته‌ای بلکه طیف گسترده‌ای از موضوعات مختلف را پیشنهاد دادند که طی ۳۳ سال گذشته روابط ایران و آمریکا را تحت تأثیر قرار داده‌اند. این رویکرد منسجم بر اهمیت توجه به منافع ایران و نیز آمریکا تأکید دارد.

تهران و واشنگتن و متحدانش در مارس ۲۰۱۲ موافقت کردند تا مذاکرات هسته‌ای را بدون پیش‌شرط از سر بگیرند. اما احتمال دستیابی به نتایج موفقیت‌آمیز با توجه به بی‌اعتمادی و اختلافات بنیادین بعید است. به‌علاوه، آمریکا و شرکایش سیاست‌های قهری را با بسته‌های پیشنهادی مثبت جهت ترغیب جمهوری اسلامی ایران به آشتی مسالمت‌آمیز متوازن نساخته‌اند.

با توجه به این مسائل کلیدی، تهدیدات فزاینده حملات نظامی علیه ایران و تهدیدات متقابل ایران علیه اسرائیل و آمریکا باید جدی گرفته شوند. حمله هوایی به تأسیسات هسته‌ای ایران و شاید تأسیسات نظامی جهت محدود ساختن اقدامات تلافی‌جویانه احتمالی می‌تواند جنگ وسیع‌تری را در خاورمیانه شعله‌ور سازد که ابعاد آن هرگز قابل پیش‌بینی نیستند. آنچه که قابل پیش‌بینی است عواقب منفی این تقابل برای اقتصاد جهانی همراه با افزایش قیمت نفت و بر هم خوردن نظام بازار و پیامدهای سیاسی بسیار منفی برای آمریکا خواهد بود از جمله روی کار آمدن

دولت‌های افراطی در اغلب کشورهای عربی در حال گذار، خصوصیت سایر ملل اسلامی که حکومت قانون را ارج می‌نهند، فروپاشی ائتلاف جهانی که هم‌اکنون در جهت انزوای ایران و اعمال فشار بر تهران از طریق رژیم تحریم با یکدیگر همکاری دارند و اتحاد جمعیت پراکنده ایران و حرکت دوباره به سوی ساخت تسلیحات هسته‌ای. بمباران جمهوری اسلامی ایران با هدف پیشگیری از دستیابی به تسلیحات هسته‌ای نه تنها به شکل باورنکردنی «احمقانه» است، آن‌گونه که مئیر داگان رئیس سابق موساد خاطرنشان ساخت، بلکه در کل اقدامی غیراخلاقی و برخلاف اصول قدیمی رفتار بین‌المللی و قانونی آمریکاست.

در پایان، چنین نتیجه می‌گیریم که ایالات متحده آمریکا باید از کلیه ابزارهای بالقوه ارتباطی برای از سرگیری مذاکرات با ایران - نه تنها در بحث هسته‌ای بلکه درخصوص موضوعات دیگری که طرفین منافع مشترکی در آنها دارند از قبیل قاچاق مواد مخدر، مسئله افغانستان و امنیت دریایی - استفاده کند. واشنگتن در راستای آغاز دوباره تلاش خود برای تعامل با ایران باید سیاست‌های خود را متعادل نماید. مشابه با روزهای ابتدایی جنگ سرد، دشمن فعلی فاقد ماهیت انسانی است. برای کاهش خطرات ناشی از جنگ نظامی و رسیدن به یک راه‌حل مناسب برای معضل هسته‌ای از طریق مذاکره، آمریکا باید تلاش‌های واقعی را در مسیر تعامل از سر بگیرد. این مسئله با توجه به سال‌ها خصومت و کینه‌توزی متقابل و ارتباط اندک بین طرفین دشوار خواهد بود، اما اثبات این مسئله که آمریکا به سیاست تعامل با ایران متعهد است می‌تواند بازیگران کلیدی در ایران را تشویق کند تا به این نتیجه برسند که



وقت آن فرا رسیده وارد مذاکرات جدی با کاخ سفید شوند. از نگاه نویسندگان این پژوهش، سیاست‌های آمریکا نه تنها باید به نگرانی‌های ما در خصوص ایران مجهز به سلاح هسته‌ای توجه داشته باشد، بلکه باید درک واقع‌بینانه‌ای از خطرات جنگ نظامی با ایران داشته باشد. باید به تهدید هسته‌ای ایران توجه نموده و با جدیت بیشتری در راستای تعامل با ایران در طیف گسترده‌ای از موضوعات مورد اختلاف طرفین تلاش کنیم.

عنوان: افکار عمومی ایرانیان برای اجتناب از حمله مهم است<sup>۱</sup>

نویسنده: پاتریشیا لوئیس

منبع: چتم‌هاوس<sup>۲</sup>

در این گزارش آمده است: اوباما رئیس‌جمهور آمریکا، نوروز را در مارس ۲۰۰۹ با ارسال پیامی ویدئویی به مردم ایران گرامی داشته و پیشنهاد آینده‌ای که اختلافات قدیمی کنار گذاشته شود را داد. وی گفت که چنین روندی نه با تهدید بلکه از طریق مشارکت صادقانه و احترام متقابل، پیشرفت خواهد کرد. در عوض، اوباما برای یک دولت ایرانی مسئول و کمتر متخاصم - حداقل در حد کلام - و یافتن راه‌حل عملی برای حل مسئله هسته‌ای ایران، ابراز امیدواری کرد. تا الان هیچ پیشرفت قابل ملاحظه‌ای برای حل‌وفصل مسئله هسته‌ای ایران صورت نگرفته است. اگرچه برای اولین بار برنامه هسته‌ای ایران ذهن سیاستگذاران غربی را در اواسط دهه ۱۹۹۰ به‌خود مشغول کرد، ولی این سخنرانی وضعیت اتحادیه جورج بوش در سال ۲۰۰۲ بود که توجهات را برانگیخت. به‌نظر اقدامات و لفاظی‌ها مانند زمان قبل از حمله آمریکا به عراق است: ترور دانشمندان هسته‌ای ایران؛ حملات سایبری مثل کرم اینترنتی استاکسنت؛ گزارشات منتشر شده از سوی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی؛ گزارشات سازمان‌های اطلاعاتی غربی؛ سخن از حمله نظامی و از دست رفتن زمان و غیره. اگر هدف از انجام این کارها این بود که ایران احساس محاصره شدن نماید، پس باید

1. Patricia Lewis, Iranian opinion is key to avoiding war, The World Today, Volume 68, Number 3, April 2012.

۲. از مراکز پژوهشی بین‌المللی انگلستان است.



گفت این استراتژی موفقیت‌آمیز بوده است. اگر هدف اطمینان از عدم توسعه سلاح‌های هسته‌ای از سوی ایران است، پس ما احتمالاً شاهد یک سوءمدیریت فاجعه‌بار دیگری هستیم. واکنش ایران تنها ابراز مخالفت، تأخیر و فریب نبوده است. برخلاف - یا شاید به خاطر - تحریم‌ها، ایران در سپتامبر خبر از عملیاتی شدن نیروگاه برق هسته‌ای بوشهر داد. علیرغم کوشش‌های گذشته برای ممانعت از تکمیل نیروگاه بوشهر، این نیروگاه چندان حساسیتی نداشته و رآکتور آن نظامی نبوده و تنها می‌تواند انرژی برق مورد نیاز ایران را تأمین کند. نویسنده گزارش در ادامه می‌افزاید: در فوریه ۲۰۱۲، احمدی‌نژاد رئیس‌جمهوری ایران شماری از پیشرفت‌های علمی ایران را اعلام کرد که شامل استفاده از سوخت تولیدی داخل (درست زیر ۲۰ درصد غنی شده) در رآکتور تحقیقاتی تهران و نصب سانتریفیوژها جدید و کارآمدتر می‌شد.

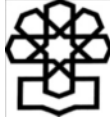
ایران به‌عنوان کشوری که تحت تحریم‌های بین‌المللی قرار دارد دستاوردهای مهمی داشته است. این کشور توانسته با کمک چهار آبشار جدید سانتریفیوژ در فوردو و اضافه کردن ۱۵ آبشار دیگر سانتریفیوژ در نطنز، تولید اورانیم با غنای ۲۰ درصد را ماهیانه سه برابر نماید. بنابراین آیا جایی برای خوش‌بینی باقیمانده است؟ او‌باما از سخن گفتن بی‌قیدوشرط درباره جنگ انتقاد کرد، موضعی که از سوی ایران، مورد استقبال قرار گرفت. در روز ۸ مارس، اتحادیه اروپا موافقت کرد تا گفتگوها با ایران در قالب گروه ۵+۱ (پنج عضو دائم شورای امنیت به‌علاوه آلمان) آغاز شود.

شاید یکی از راه‌های حل این مناقشه این است که بفهمیم مردم عادی چگونه فکر می‌کنند. مرکز سابان اخیراً نظرسنجی را از یهودیان اسرائیلی انجام داد که بسیاری از کارشناسان را شوکه کرد. نتایج غیرقابل انتظار نشان می‌دهد که ۶۵ درصد افراد ترجیح می‌دهند که ایران و اسرائیل هیچ‌کدام سلاح هسته‌ای در اختیار نداشته باشند و یک خاورمیانه عاری از سلاح هسته‌ای را انتخاب کردند. در ایران، شاید حمایت برای برنامه هسته‌ای به اندازه‌ای که دولت مدعی است نباشد. اگرچه باید به نتایج نظرسنجی‌هایی که توسط مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران صورت گرفته با دیده احتیاط بدان نگریست، اما نظرسنجی سال ۲۰۱۰ از شهروندان تهرانی نشان می‌دهد که ممکن است حمایت عمومی از برنامه هسته‌ای ایران از سال ۲۰۰۸ تا آن سال، کاهش داشته است. در این دوره دوساله، نظرسنجی نشان می‌دهد که نظرات موافق نسبت به برنامه هسته‌ای از ۶۵/۲ درصد به ۲۲/۱ درصد کاهش داشته است. به علاوه ۴۱ درصد نیز گفتند که دولت برای هدایت پرونده هسته‌ای ضعیف عمل کرده است، که در دو سال پیش تنها ۲۱ درصد چنین نظری داشتند. این نتایج با آنچه نهادهای افکارسنجی خارجی ارائه داده‌اند تفاوت دارد، اما روند آن همچنان نشان‌دهنده کاهش حمایت از برنامه هسته‌ای است. نظرسنجی تلفنی گالوپ که از یک مرکز تلفنی خارج از ایران صورت گرفت و نتایج آن در فوریه منتشر شد، نشان می‌دهد که تنها ۴۰ درصد ایرانی‌ها موافق توسعه سلاح‌های هسته‌ای بوده، درحالی که ۵۷ درصد از برنامه هسته‌ای غیرنظامی حمایت کردند (درحالی که نظرسنجی سال ۲۰۱۰ رند این رقم ۸۷ درصد بود). تقریباً یک‌چهارم افراد مورد نظرسنجی از ارائه پاسخ اجتناب کردند. در



پایان گزارش آمده است: در مورد مقامات ایران نیز، آیت‌الله خامنه‌ای در سال ۲۰۰۵ فتوایی صادر کرده که در آن تولید، ذخیره‌سازی و استفاده از سلاح‌های هسته‌ای را بنا به قوانین اسلام ممنوع اعلام کرده و گفته بود که جمهوری اسلامی ایران هرگز نباید چنین سلاح‌هایی را به دست آورد.

به هر حال، امید پیشرفت چندانی در طول رقابت‌های انتخاباتی آمریکا و حمایت‌های لفظی جانبدارانه کاندیداها وجود ندارد. اما اگر او باماً مجدداً انتخاب شود، خیلی دور از انتظار است که تصور کنیم وی بتواند - همان‌گونه که در سال ۲۰۰۹ قول داده بود - روابط تهران و واشنگتن را مجدداً برقرار کند.



مرکز پژوهش‌ها  
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۲۳۶۲

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: ماهنامه کاوش (۵۰)

نام دفتر: مطالعات سیاسی (گروه سیاست خارجی)

تهیه و تدوین: محمود هاشمی چمگردانی

ناظر علمی: ناصر جمالزاده

متقاضی: معاونت پژوهشی

ویراستار: حسین صدری‌نیا

واژه‌های کلیدی: —

تاریخ انتشار: ۱۳۹۱/۲/۱۲